



# از رضا خاں تا انقلاب اسلام

در بیانات آیت الله العظمی خامنه‌ای





بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



# از رضاخان تا انقلاب اسلامی

دریانات آیت الله العظمی خامنه‌ای



تبیین منظومه فکری رهبری

نام کتاب: از رضاخان تا انقلاب اسلامی در بیانات آیت الله العظمی خامنه‌ای  
گردآورندگان: جمعی از پژوهشگران مجموعه تبیین منظومه فکری رهبری  
طراح جلد و صفحه‌آرا: فاطمه سینائی  
ویراستار: فاطمه سینائی  
قطع کتاب: رقعی  
چاپ اول: شهریور ماه ۱۴۰۱  
راه ارتباطی: ۰۹۱۰۲۵۸۸۸۱۸  
صاحب امتیاز: مجموعه تبیین منظومه فکری رهبری

## فهرست

مقدمه	۱
۱. ویژگی‌های حکومت رضاخان	۶
۱-۱. کودتایی بودن	۶
۱-۲. دین‌زدایی	۶
۱-۳. فساد مالی	۸
۱-۴. ساخت خط آهن تحت تأثیر سیاست‌های استعماری	۸
۱-۵. کشف حجاب	۹
۱-۶. استبداد	۱۰
۲. ویژگی‌های حکومت محمدرضا پهلوی	۱۱
۲-۱. فساد	۱۱
۲-۲. وابستگی	۱۵
۲-۳. کودتایی بودن	۲۱
۲-۴. بی‌کفایتی	۲۱
۲-۵. بی‌عدالتی	۲۵
۲-۶. دیکتاتوری سیاه و خفقان عجیب علیه مردم	۲۶
۲-۷. بی‌اعتنایی به مردم	۲۸
۳. ویژگی‌های انقلاب اسلامی	۳۱

- 
- ۱ - ۳. استقلال در تصمیم‌گیری، حفظ تمامیت ارضی کشور..... ۳۷
- ۲ - ۳. ارتقای جایگاه ایران در جهان، صدور شعارهای انقلاب..... ۳۸
- ۳ - ۳. گسترش برخورداری‌های عمومی و امکانات مادی ..... ۴۱
- ۴ - ۳. پیشرفت در معنویات و امکان سیر تکاملی در فضای... ..... ۴۲
- ۵ - ۳. گسترش عدالت اجتماعی ..... ۴۳
- ۶ - ۳. اهتمام به مبارزه با فساد و برخورد با عوامل فساد ..... ۴۵
- ۷ - ۳. توان ایستادگی در برابر زورگویان و سلطه‌طلبان جهانی ..... ۴۶
- ۸ - ۳. رشد علمی و صنعتی ..... ۴۸
- مقایسه پیشرفت انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب‌های دنیا ..... ۵۶



## مقدمه

## بزرگ‌کنندگان پهلوی و وارونه نمایان حقایق تاریخ ایران چه هدفی را دنبال می‌کنند؟

۴۴ سال از روزی می‌گذرد که محمدرضا، پسر ارشد رضاخان میرپنج، درحالی‌که داشت فرودگاه مهرآباد تهران را به مقصد قاهره پایتخت مصر ترک می‌کرد، گفت: «مدتی است، احساس خستگی می‌کنم و احتیاج به استراحت دارم»؛ از آن روز که شاه دست‌نشانده متفقین با بیم فراوان و امید نیم‌بند رفت و مصر، مراکش، مکزیک، پاناما و آمریکا را برای اقامت و پناهندگی انتخاب کرد، تا ۵ مرداد ۱۳۵۹ که در اوج آوارگی در قاهره از پای درآمد و مُرد و تا امروز که ۴۴ سال از آن ایام می‌گذرد، عده‌ای دائماً تلاش کرده‌اند تا روایتی دیگر از ماجرای شاه فراری ایران آن روز را در تاریخ ثبت کنند و واقعیت انقلابی را که از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ با خون ۶۶۰۰ شهید (بر اساس آمار سال ۱۳۹۶ معاونت تعاون بنیاد شهید) به ثمر نشست، به شیوه دیگری بازنمایی کنند. تلاش جریان تحریف در یک جمله خلاصه می‌شود؛ حرکت مردم از روی دل‌خوشی و شکم‌سیری انجام شد و هیچ آرمان و زیربنای فکری مشخصی هم در شکل‌گیری و پیروزی آن مطرح نبود! در واقع، این جریان تلاش می‌کند تا با تصویر کردن چهره‌ای مظلوم و حق‌به‌جانب از خاندان سلطنتی حاکم بر ایران آن روز، این گزاره را در افکار عمومی جا بیندازد که وضعیت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن ایام به مراتب از این روزها بهتر و شکوفاتر بود و اساساً ضرورتی برای انقلاب وجود نداشت و حتی اگر مشکلی هم بود، با صحبت حل می‌شد!

برای جانداختن این گزاره هم چه دستاویزی بهتر از موج‌سواری بر برخی مشکلات اقتصادی جامعه امروز ایران؟! به بیان ساده‌تر، جریان تحریف تلاش

می‌کند تا با استفاده از مشکلات اقتصادی امروز کشور، این گزاره را در ذهن مردم به‌ویژه نسل جدید نهادینه کند که شرایط کشور در روزگار پهلوی‌ها گل و بلبل بود. در واقع، چون امروز مشکلات مختلفی داریم - صرف نظر از چرایی و ریشه‌های این مشکلات - پس قبل از انقلاب شرایط عالی بود و مردم قدر ندانستند!

آن‌همه مبارزه و تحمل سختی‌ها و رنج‌ها هم همه از سر هیجان بود و ۶۶۰۰ شهید هم احتمالاً تبعات این هیجان اجتماعی زودگذر بوده است! به گفته رهبر انقلاب اسلامی: «دأب سیاست‌های مسلط عالم این بوده و هست که جنبش‌های عدالت‌خواهانه مردم نقاط مختلف دنیا را در هاضمه سیاسی و فرهنگی خود بریزند و در واقع هویت آن جنبش‌ها و حرکت‌های مردمی و عدالت‌خواهانه را از بین ببرند»<sup>۱</sup>.

بنابراین، اگر نتوانند آن انقلاب را منحرف کنند، راه باقی‌مانده این است که حقایق آن را تحریف کنند؛ اما واقعیت انقلاب اسلامی مردم ایران چه بود و جریان تحریف، چطور آن را به میل خود تغییر می‌دهد؟!

## چرا انقلاب شد؟

نگاهی گذرا به آنچه در روزگار پهلوی‌ها بر ایران و ایرانیان می‌گذشت، نشان می‌دهد «وابستگی و عدم استقلال سیاسی»، «دیکتاتوری، خفقان و عدم آزادی فعالیت‌های سیاسی به‌ویژه از سوی گروه‌های اسلامی»، «نشر هدفمند و برنامه‌ریزی شده فحشا و منکرات» و «فقر شدید، بی‌عدالتی و فاصله طبقاتی» از مهم‌ترین دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری حرکت مردمی برای انقلاب و تغییر

۱. ۱۴ خرداد ۱۳۸۱، بیانات در مراسم سیزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی

شرایط بوده است که نه در یک شب یا چند روز و چندماه که در فاصله میان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و بعد از آن به‌طور جدی از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ این روند شکل گرفت، تا اینکه به پیروزی حرکت مردمی به رهبری امام خمینی؛ در ۲۲ بهمن ۵۷ منجر شد.

درباره وابستگی و عدم استقلال دستگاه حاکم در آن روزگار، نگاهی به مهم‌ترین کتاب‌های به‌جامانده از رجال آن رژیم کافی است. «خاطرات ارتشبد حسین فردوست»، دوست و یار غار محمدرضا پهلوی، «خاطرات اسدالله علم»، وزیر دربار رژیم ستم‌شاهی و ده‌ها کتاب دیگر به‌عنوان اسناد باقی‌مانده از درون آن رژیم - و نه ادعاهای دیگران - به‌خوبی گویای واقعیت‌های تلخ آن روزگار است. فریدون هویدا، سفیر و نماینده دائم رژیم شاه در سازمان ملل متحد، در کتاب خاطراتش می‌نویسد: «موقع ورود شاه به آمریکا در نوامبر ۱۹۷۷ خبرنگار مجله نیوزویک با وی مصاحبه‌ای ترتیب داد و طی آن از شاه پرسید دولت ایران در هفته پیش اعلام داشت که پرزیدنت کِنِدی در سال ۱۹۶۱ پرداخت مبلغ ۳۵ میلیون دلار کمک آمریکا به ایران را منوط به انتصاب دکتر علی‌امینی به نخست‌وزیری کرده بود، آیا شما این ادعای دولت را تایید می‌کنید؟ شاه پاسخ داد: این البته یک مسئله کهنه است، ولی حقیقت دارد!» (سقوط شاه، نوشته فریدون هویدا، صفحه ۵۳) علاوه بر این، می‌توان به بُرش دیگری از خاطرات فریدون هویدا اشاره کرد که وقتی با موافقت محمدرضا پهلوی «بحرین» رسماً از خاک ایران جدا و فروخته می‌شود، شاه دلیل خود را برای موافقت با واگذاری بحرین در مصاحبه با روزنامه گاردین در ۵ شهریور ۱۳۴۵ (۲۷ اوت ۱۹۶۶) این‌گونه بیان می‌کند: «با توجه به اینکه نفت بحرین دارد به پایان می‌رسد و مروارید به پایان رسیده است، بحرین از نظر ما اهمیتی ندارد.» (سقوط شاه، نوشته فریدون هویدا، صفحه ۶۸) برشی از کتاب خاطرات اسدالله علم، فقر و نابرابری‌های حاکم بر جامعه ایران و واقعیت‌های آن روزگار

را بهتر عیان می‌کند. وزیر دربار پهلوی می‌نویسد: « شاه در سال ۱۳۵۳ مبلغ ۵۰۰ میلیون لیره استرلینگ به انگلیس کمک مالی کرد تا شاید صنایع غذایی انگلیس از ورشستگی نجات پیدا کند. در همان سالی که این مبلغ هنگفت به‌عنوان کمک به انگلیس داده شد، تنها یک درصد از روستاهای کشور آب آشامیدنی سالم و چهار درصد برق داشتند.» (یادداشت‌های علم، جلد ۴، صفحه ۶۷ و صفحه ۱۹۳) از این دست نمونه‌ها فراوان است، اما برگردیم به سوال مطرح‌شده در بخش قبلی؛ جریان تحریف، این واقعیت‌های تلخ و دردناک را چطور تحریف می‌کند و چگونه دودمان پهلوی را «دلبر» و انقلاب را «دیو» و معرفی می‌کند؟!

### انقلاب را چطور تحریف می‌کنند؟

شناخت ترفندهای جریان تطهیر پهلوی برای تحریف واقعیت‌های دوران پیش از انقلاب، چندان سخت و پیچیده نیست؛ تکنیک این جریان، تکرار چندباره و پمپاژ اطلاعاتِ «دروغ» در میان مشکلات روزمره و سوءاستفاده از ناآگاهی‌های گروه‌های مختلف جامعه درباره وقایع تاریخی آن دوران است. تصویرسازی دروغین از واقعیت‌های دوران سیاه پهلوی در ذهن نسل جوان که خفقان و شرایط سخت آن دوران را از نزدیک لمس نکرده یکی از اصلی‌ترین کارهای بزرگ‌کنندگان پهلوی است. جریانی که با تبیین‌های دروغ از تاریخ، هدف اصلی‌اش که همان زیر سوال بردن اصل انقلاب است را دنبال می‌کند، تا «یک جوان امروز بگوید: عجب! این‌ها آدم‌های بدی نبودند، اوضاع بدی نبود؛ پس چرا انقلاب کردید؟»<sup>۱</sup> گاهی این جریان به‌صورت گسترده و به سبک بمباران اطلاعاتی، بدون آنکه تصویری از استبداد خاندان پهلوی نشان

دهد، قطعات تقطیع شده از فیلم‌های رنگی و گزارش‌های سال‌های پیش از انقلاب را از آرشیو خود بیرون می‌آورد و با بازنشر آن در شبکه‌های اجتماعی سعی دارد تا شرایط رفاه و آرامش و پیشرفت در آن دوران را القاء کند! حتی گاهی برای دفاع از دیکتاتوری سیاه پهلوی به انتشار تک عکس‌هایی روی می‌آورد که ظاهراً نمایی جذاب و دل‌نشین از شهرهای آن روزگار را نشان می‌دهد اما کوچک‌ترین اشاره‌ای به زاغه‌نشین‌های تهران و اوضاع سخت زندگی روستاییان محرومی که از امکانات اولیه زندگی هم برخوردار نبوده‌اند نمی‌کند.

با کنار هم قراردادن قطعات پازل این جنگ تبلیغاتی، می‌توان گفت که اگر به‌خوبی به اهداف و آرمان‌های انقلاب عمل نکنیم و به موازات آن، حقایق انقلاب را به‌موقع تبیین نکنیم، ضربه خواهیم خورد. حقیقت این است که فعالیت جبهه مؤمن انقلابی در مقابل جریان تحریف انقلاب نیازمند تقویت است؛ اگرچه دشمن تاکنون در رسیدن به اهدافش ناکام مانده است، آن‌ها «سعی می‌کنند چهره‌ی خاندان خبیث و منحوس پهلوی را بزرگ کنند، آرایش کنند امروز سعی می‌شود [توسط] همان جبهه‌ی مقابل نظام اسلامی. پشتیبان‌ها همان کسانی هستند که با اصل انقلاب مخالف بودند، با مردمی که انقلاب کردند مخالف بودند، با وفاداری این مردم به انقلاب بشدت مخالفند. تاکنون موفق نشدند؛ امید بسته بودند بلکه بتوانند نسل دوم و سوم انقلاب را روی گردان کنند، نتوانستند. نسل سوم انقلاب را نتوانستند از انقلاب روی گردان کنند»<sup>۱</sup>.

## ۱. ویژگی‌های حکومت رضاخان

### ۱ - ۱. کودتایی بودن

انگلیسی‌ها رضاخان را به عنوان یک عامل دست‌نشانده بر سر کار آوردند تا کار مورد نظر آنها را انجام دهد. این حرف‌ها جای انکار نیست؛ حرفی نیست که من بزنم؛ این حرف‌ها جزو واضحات تاریخ است که هم گزارشگران نوشته‌اند و هم اسنادی که بعد از سی، چهل سال منتشر شده، گویای آن است. ... در سندی از همین قبیل می‌خواندم که در جلسه‌ای که سید ضیاء و رضاخان و مأموران انگلیسی بودند، رضاخان گفته بود که من سیاست سرم نمی‌شود و وارد نیستم؛ هرچه شما دستور بدهید؛ من گوش به فرمانم! همین‌طور هم بود؛ اما لحظه‌ای که احساس کردند یک ذره حالت گوش به فرمانی‌اش متزلزل شده و گرایشی، آن هم نه به سمت استقلال حقیقی، بلکه به سمت آلمان هیتلری پیدا کرده است - طبیعتاً وقتی رضاخان به هیتلر نگاه کند، به هیجان می‌آید و لذت می‌برد - او را کنار زدند و پسرش را بر سر کار آوردند. این‌ها جزو واقعیات کشور است.<sup>۱</sup>

### ۲ - ۱. دین‌زدایی

رضاخان را انگلیسی‌ها از میان فوج قزاق پیدا کردند - به یک قلدر بی‌باک و بی‌محابا احتیاج داشتند - آوردند و دست او سلاح دادند! دست، پشتش زدند، او را آوردند تا به مقام سلطنت رساندند، بعد مقاصد خودشان را به وسیله او اعمال کردند! آن کاری را که می‌خواستند در این مملکت بکنند به وسیله او کردند. آن ضربه‌ای را که می‌خواستند به دین، به روحانیت، به سنت‌های

۱. ۱ مرداد ۱۳۸۰، بیانات در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر.

قدیمی و ملی این کشور و به پایه‌های دینی و اعتقادی این کشور بزنند، به وسیله او زدند. چون آدم بی‌باک و گستاخی بود، به درد آن‌ها می‌خورد! انگلیسی‌ها مدت‌ها - قبل از مشروطیت - دنبال وسیله نفوذی در این کشور می‌گشتند؛ اما نمی‌شد. بیشتر هم علما مانع نفوذ بودند. این آدم، آدمی بود که می‌دانستند در برخورد با علما، گستاخ و بی‌باک است. او را بر سر کار آوردند و هر کار خواستند، به وسیله او انجام دادند!

اگر می‌بینید همه آدم‌های حساسی ایران با رضاخان مخالفند، به خاطر آن است که آدم لاتِ بی‌سر و پاییی بود که اصلاً اسم دین را نشنیده و مزه آن را هم نچشیده بود. او در یک خانواده بی‌سوادِ لابلالی و دور از معارف دینی تربیت شده بود و وقتی هم که بزرگ شد، در میان قهوه‌خانه‌ها و میخانه‌ها و الواط پرسه می‌زد. اصلاً رضاخان کسی نبود که با دین سر و کاری داشته باشد. مزاجش آماده معارضه با دین - آن هم به قصد براندازی - بود. آدم‌های ضعیف‌النفس بددلِ کج سلیقه‌ای هستند که گاهی از کارهای به اصطلاح عمرانی رضاخان تعریف می‌کنند و مثلاً می‌گویند او راه آهن کشید و امنیت را برقرار کرد! باید از این‌ها پرسید که آیا احداث راه آهن و ایجاد امنیت برای مردم بود یا برای قدرت‌های خارجی؟! چه کسانی از این کارهای به اصطلاح عمرانی سود می‌بردند؟ در حقیقت رضاخان عاملی بود که انگلیسی‌ها او را وارد صحنه کردند تا نظام دینی را در ایران به هم بریزد. به همین خاطر در سال ۱۳۱۴ شمسی گذاشتن عمامه و حضور روحانیت در جامعه را ممنوع کرد و نظام حوزه علمیه را به هم زد و روحانیت را مجبور به خانه‌نشینی کرد.<sup>۲</sup>

۱. ۲ اردیبهشت ۱۳۷۷، بیانات در دیدار جمعی از روحانیون.

۲. ۱۴ شهریور ۱۳۷۴، بیانات در آغاز درس خارج فقه.

### ۳ - ۱. فساد مالی

رضاخان در دوران شانزده، هفده ساله سلطنت خود، ثروت کلانی اندوخت. بد نیست بدانید که بعضی از شهرهای این کشور، به حسب سند، در بست متعلق به رضاخان بود! مثلاً شهر فریمان تماماً ملک رضاخان بود! بهترین املاک و زمین‌های این کشور، متعلق به او بود. او به این چیزها و به جواهرات علاقه داشت.<sup>۱</sup>

### ۴ - ۱. ساخت خط آهن تحت تأثیر سیاست‌های استعماری

شما ببینید آن روزی که راه آهن به این کشور آمد، آنچه که در وهله اول به ذهن هر کسی می‌رسید، این بود که مرکز کشور را از راه این استان‌های مرکزی - یعنی اصفهان و فارس - به خلیج فارس متصل کنند؛ این طبیعی‌ترین کاری بود که در این کشور ممکن بود انجام بگیرد. این‌ها این کار را نکردند. آن نویسنده‌ی سیاسی انگلیسی که خودش سیاستمدار است - وابسته‌ی به همان دستگاه استعماری خائن به منافع این کشور - در کتابی که نوشته - که ترجمه شده به فارسی - به نام «ایران و قضیه‌ی ایران»، اعتراف می‌کند که راه آهن ایران باید از تهران می‌آمد، از مرکز کشور - از استان اصفهان، از استان فارس - عبور می‌کرد، می‌رفت تا می‌رسید به خلیج فارس؛ اما این کار انجام نگرفت. راه آهن ایران را در دوران طاغوت، در دوران رضاخان، با محاسبه‌ی منافع قدرت‌هایی که دشمنان بزرگ این کشور محسوب می‌شدند - یعنی انگلیس و روس آن روز - کشیدند، اسمش را هم گذاشتند راه آهن سراسری! دروغ محض، کدام سراسری؟ برای اینکه جبهه‌ی آن روز متفق جنگ - یعنی انگلیس و روس - بتوانند در دو طرف کشور ما سلاح و مهمات منتقل کنند، از نفت کشور بتوانند

---

۱. ۱۳ بهمن ۱۳۷۷، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان).



استفاده کنند، آمدند از بخشی از خلیج فارس، آن هم با یک فاصله‌ای، راه آهنی کشیدند به تهران؛ از آنجا هم به بخشی از دریای خزر، برای اینکه قشون روس و قشون انگلیس بتوانند به همدیگر متصل شوند و سلاح و تجهیزات و امکانات منتقل کنند و نفت ایران را بردارند ببرند هرجایی که می‌خواهند، مصرف کنند. یعنی سیاست حاکم بر یک عمل عمرانی در کشور که عبارت است از ساخت خط آهن اینقدر تحت تأثیر سیاست‌های استعماری و نفوذ بیگانگان در کشور انجام می‌گرفت. آن وقت نتیجه این می‌شود که شیراز در قلب کشور راه آهن ندارد.<sup>۱</sup>

## ۵ - ۱. کشف حجاب

یکی از همین فعالیت‌های فاجعه‌آمیز، قضایای هفدهم دی بود که در زمان رضاشاه اتفاق افتاد. طبق نقشه‌ی دشمنان اسلام و ایران، به کمک روشنفکران آن روز متصل به دربار پهلوی، تصمیم گرفتند که زن ایرانی را از دایره‌ی عفاف و حجاب خود بیرون کنند و این نیروی عظیم ایمانی را که به برکت عفاف، زن همواره در جوامع مسلمان وجود داشته است، نابود کنند و بر باد بدهند. یکی از جنایات بزرگ رژیم طاغوت، همین مسئله‌ی هفده دی هست. کشف حجاب، از بین بردن آن حائل و فاصله‌ای که در اسلام میان دو جنس قرار داده شده است - که این برای سلامت زن و سلامت مرد است؛ برای سلامت جامعه است - تا همان بلایی که بر سر زن در جوامع غربی آمد، بر سر زن مسلمان ایرانی بیاورند. این اقدام را با چماق، رضاخان در داخل کشور انجام داد.<sup>۲</sup>

۱. ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۷، بیانات در دیدار مردم کازرون.

۲. ۱۹ دی ۱۳۸۶، بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام نوزدهم دی‌ماه.

رضاخان قلدر وقتی خواست از غرب برای ما سوغات بیاورد، اولین چیزی که آورد، عبارت از لباس و رفع حجاب بود؛ آن هم با زور سر نیزه و همان قلدری قزاقی خودش! لباس‌ها نباید بلند باشد؛ باید کوتاه باشد؛ کلاه باید این‌طوری باشد؛ بعد همان را هم عوض کردند: اصلاً باید کلاه شاپو باشد! اگر کسی جرأت می‌کرد غیر از کلاه پهلوی - کلاهی که آن موقع با این عنوان شناخته می‌شد - کلاه دیگری سرش بگذارد، یا غیر از لباس کوتاه چیزی بپوشد، باید کتک می‌خورد و طرد می‌شد. این چیزها را از غرب گرفتند! زن‌ها حق نداشتند حجابشان را حفظ کنند؛ نه فقط چادر - چادر که برداشته شده بود - اگر روسری هم سرشان می‌کردند و مقداری جلوی چانه‌شان را می‌گرفتند، کتک می‌خوردند! چرا؟ برای این که در غرب، زن‌ها سربرهنه می‌آیند! این‌ها را از غرب آوردند.<sup>۱</sup>

## ۶ - ۱. استبداد

هیچ کس نمی‌تواند بگوید که استبداد رضاخان از استبداد ناصرالدین شاه کمتر است؛ بلکه بلاشک بیشتر از آن است. ناصرالدین شاه در قضیه‌ی تنباکو وقتی که حرکت مردم را دید، عقب نشست؛ اما رضاخان در سال ۱۳۱۴ هنگامی که حرکت مردم و علما را دید، حرکت مردم را سرکوب کرد و علما را دستگیر نمود و واقعه‌ی مسجد گوهرشاد را پیش آورد.<sup>۲</sup>

۱. ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۰، بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصلا‌ی رشت.  
 ۲. ۴ اسفند ۱۳۷۰، بیانات در دیدار اعضای هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات مجلس.

## ۲. ویژگی‌های حکومت محمدرضا پهلوی

انقلاب، یک حرکت عظیم در مقابل فساد و بی‌کفایتی رژی می بود که تا خرخره در لجن‌زارهای فساد و وابستگی گرفتار شده بود.<sup>۱</sup> انقلاب ما یک حرکت عظیم مردمی علیه حکومتی بود که تقریباً تمام خصوصیات یک حکومت بد را داشت؛ هم فاسد بود، هم وابسته بود، هم تحمیلی و کودتایی بود و هم بی‌کفایت بود.<sup>۲</sup>

### ۱ - ۲. فساد

آن حکومت، اولاً فاسد بود؛ فساد مالی داشتند؛ فساد اخلاقی داشتند؛ فساد اداری داشتند.<sup>۳</sup> در نظام منحوس و فاسد پادشاهی، از بالا تا پایین - مگر در افراد معدود - فساد جریان داشت. البته در محیط کارمندی آن روز هم، انصافاً انسان‌های شریف بودند. ما کسانی را - چه در بخش‌های اجرایی، چه در بخش‌های قضایی و چه در نیروهای مسلح - می‌شناختیم که انسان‌های پاکدامن و شریفی بودند؛ اما آن انسان‌های شریف، در محیط کار خودشان، برای حفظ شرافت خودشان مبارزه می‌کردند. یعنی چه؟ یعنی اقتضای عمومی دستگاه‌ها در آن وقت، فساد بود. چرا؟ چون از بالا تا پایین فساد بود. وقتی وزیر فساد است؛ وقتی مقاطعه‌کار درجه‌ی یک کشور، با بیگانه‌ها دستش روی هم است؛ وقتی رئیس کشور - که خود پادشاه وقت باشد - رشوه‌بگیر از بیگانگان و از مردم خود و از بقیه‌ی کسانی است که می‌شود از آن‌ها رشوه گرفت، حال

۱. ۱ فروردین ۱۳۸۰، بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی.

۲. ۱۳ بهمن ۱۳۷۷، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان).

۳. همان.

بقیه‌ی مردم معلوم است! آن روز، دستگاه را به طور تعمدی فاسد می‌کردند. در آن نظام فاسدِ مفسدی که عفونت او همه جا را فرا می‌گرفت، هیچ کس از این منتقدان بین‌المللی، لب از لب باز نمی‌کرد.<sup>۱</sup>

## ۱ - ۱ - ۲. فساد مالی

در فساد مالی‌شان همین بس که خود شاه و خانواده او در بیشتر معاملات اقتصادی کلان این کشور داخل می‌شدند. خود او و برادران و خواهرانش، جزو کسانی بودند که بیشترین ثروت‌اندوزی شخصی را کردند. رضاخان در دوران شانزده، هفده ساله سلطنت خود، ثروت کلانی اندوخت. ...البته بچه‌هایش قدری مشرب و وسیع‌تری داشتند؛ هرگونه ثروتی را دوست می‌داشتند و جمع می‌کردند! بهترین دلیل هم این است که وقتی این‌ها از این کشور رفتند، میلیاردها دلار ثروتشان در بانک‌های خارجی انباشته شده بود! شاید بدانید که ما بعد از انقلاب خواستیم که ثروت شاه را به ما برگردانند و البته طبیعی هم بود که جواب ندهند. آن وقت تخمینی که از مال مجموع این خانواده زده می‌شد، ده‌ها میلیارد دلار بود! رفتند در جاهای مختلف دنیا مستقر گردیدند و همه‌شان جزو ثروتمندان شدند. این پول‌های کلان را با زحمت کشتی که به‌دست نیاورده بودند، کاسبی مشروع که نکرده بودند؛ این‌ها پول‌هایی بود که زراندوزی‌ها و ثروت‌اندوزی‌های غیرمشروع آن را به‌وجود آورده بود.<sup>۲</sup> از طرف شخص محمدرضا و دوروبری‌هایش، بالاترین فسادهای مالی، بزرگ‌ترین رشوه‌ها، بدترین دست‌اندازی‌ها، خبثات‌آلودترین فشارها بر منابع مالی ملت به‌وجود می‌آمد. برای خودشان ثروت درست می‌کردند به قیمت فقیر کردن مردم و

۱. ۷ شهریور ۱۳۷۵، بیانات در دیدار کارمندان و کارکنان دولت.

۲. ۱۳ بهمن ۱۳۷۷، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان).

بیچاره کردن مردم.<sup>۱</sup> نظامی که در رأس خودش این قدر فساد مالی داشت، ببینید چگونه نظامی بود و با مردم چه می کرد!<sup>۲</sup> [آمریکایی‌ها] محمدرضا را که فراری ملت ایران بود، در آمریکا پذیرفتند و به عنوان یک میهمان پناه دادند. اموالی که در اختیار محمدرضا قرار داشت، بالغ بر میلیاردها دلار می شد که در آمریکا سرمایه گذاری کرده بود. در همه جای دنیا معمول است وقتی یک نفر که در راس رژیم قرار دارد، سرنگون شد، اموال شخصی اش که از آن مردم و دولت جدید بر سر کار آمده است، به آن دولت برگردانده می شود. این در همه جا یک عرف است... هیچ جا سابقه ندارد که آن همه ثروت را که متعلق به ملت ایران بود، در حساب‌های محمدرضا و کسانی که در آمریکا، نگه دارند. حتی یک ریالش را به مردم ایران ندادند.<sup>۳</sup>

### تسلط تعدادی از وابستگان به دربار به منطقه بجنورد تا سبزوار

اسفراین امروز با اسفراین قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست. من در دوران پیش از انقلاب، یک توقف کوتاهی در شهر شما داشته‌ام. سال ۱۳۴۷ در این منطقه‌ی «دهنه‌ی اوجاق» زلزله شد. ما از مشهد آمدیم دهنه‌ی اوجاق، که به خاطر زلزله به مردم امداد کنیم؛ در کنار آن، به اسفراین آمدیم. اسفراین، آن روز یک ده بزرگ بود؛ از جهات گوناگون، با امروز قابل مقایسه نبود؛ با اینکه استعداد طبیعی در این شهرستان، آن روز هم مثل امروز موجود بود. این منطقه‌ی مستعد کشاورزی، این آب فراوان، این دشت حاصلخیز در دامنه‌ی کوه‌های بلند «شاه جهان»، این دامداری گسترده‌ای که استعداد آن در این منطقه معروف است؛ نه فقط در خود اسفراین، که در منطقه‌ی حول و حوش

۱. ۲۲ اسفند ۱۳۷۹، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

۲. ۱۳ بهمن ۱۳۷۷، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان).

۳. ۱۱ آبان ۱۳۷۳، بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان.

اسفراین، از بجنورد تا سبزوار - حتی در ضرب‌المثل‌های عامیانه، که یقیناً در ذهن بسیاری از شما هم هست، اسم روغن کوه‌شاه جهان آمده است - آن روز در اختیار یک تعداد معدودی از وابستگان به دربار و دستگاه‌های سلطنتی بود؛ مردم هم چه در روستاها، چه در شهر، در وضعیت اسفباری به سر می‌بردند. امروزه این‌که بخواهیم بگوییم به قدر شایستگی این منطقه - که البته شایستگی این منطقه بیش از این‌هاست - اما به قدر قابل توجهی این منطقه پیشرفت کرده است.<sup>۱</sup>

## ۲ - ۱ - ۲. فساد اخلاقی

[یکی از خصوصیات] رژیم خبیث [پهلوی]، فساد بود. انواع فساد، از فسادهای جنسی بگیرد که مبتلابه تقریباً همه‌ی درباری‌ها و دوروبری‌ها و مانند این‌ها بود که دیگر حالا داستان‌های شرم‌آور است. آن روز خیلی از آحاد مردم هم می‌دانستند، اگرچه جرأت نمی‌کردند بر زبان بیاورند. گاهی از قلم خارجی‌ها درمی‌رفت، چیزهایی را می‌گفتند فساد جنسی، فساد مالی، نه فقط در سطوح متوسط که هر وقتی ممکن است پیش بیاید؛ نخیر، در عالی‌ترین سطوح کشور. ... فساد، فساد جنسی، فساد مالی، اعتیاد، ترویج اعتیاد و ترویج مواد مخدر صنعتی به وسیله‌ی عناصر اصلی حکومت آن روز در ایران به وجود آمد و اتفاق افتاد. یکی از خواهرهای محمدرضا را در فرودگاه سوئیس با چمدان پر از هروئین، پلیس سوئیس دستگیر کرد! [خبر آن در] همه‌ی دنیا پیچید، منتها زود ماست مالی کردند؛ خب مربوط به خودشان بود؛ قضیه را برطرف کردند، گره را باز کردند؛ یک چنین وضعیتی [بود].<sup>۲</sup> معنویت در این کشور به شدت مورد تهاجم بود؛ سعی می‌شد معنویت ازاله شود؛ ... آن روزها جوان‌ها عمداً به

۱. ۲۲ مهر ۱۳۹۱، بیانات در اجتماع مردم اسفراین.

۲. ۱۷ دی ۱۳۹۳، بیانات در دیدار مردم قم.

فساد کشانده می‌شدند. شاید شما شنیده‌اید که رؤسای کشور و خانواده‌هایشان، مهمترین شرکای باندهای مواد مخدر در این کشور بودند! اول بار آن‌ها هروئین را به این کشور آوردند و پخش کردند. فساد و اعتیاد و بدبختی را به دست خودشان ترویج می‌کردند.<sup>۱</sup> باندهای تبهکار معاملات قاچاق، زیر دست برادران و خواهران این شخص قرار داشتند. ... البته گوشه‌ای از خاطرات این چیزها را، بعدها کسان و نزدیکان و دستیاران خودش نوشتند و منتشر کردند.<sup>۲</sup>

### ۳ - ۱ - ۲. فساد اداری

از لحاظ فساد اداری هم رو به تباهی بودند. در مدیریت‌ها، صلاحیت‌ها را رعایت نمی‌کردند؛ وابستگی‌های به خودشان و دستورات سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی بیگانه را ملاک قرار می‌دادند و کسانی را سرکار می‌آوردند. ببینید؛ حکومتی که در رأس خودش رشوه می‌گیرد، ثروت‌اندوزی می‌کند، معامله قاچاق می‌کند و به مردم خیانت می‌کند، چگونه حکومتی است. اگر کسی بخواهد این‌ها را با دلایل و شواهدش بگوید، کتاب‌ها خواهد شد.<sup>۳</sup>

### ۲ - ۲. وابستگی

از اوایل قرن نوزدهم میلادی که مأمور انگلیسی «سرجان ملکم» از مرز هندوستان وارد ایران شد؛ یعنی از زمان حکومت فتحعلی شاه قاجار که با هدایای اغواکننده و گران‌قیمت برای رجال درباری و سیاستمداران فاسد وارد ایران شدند و استعمار انگلیسی، یا به تعبیر دیگر، نفوذ ویرانگر انگلیسی چون استعمار به معنای متداولش در ایران پیش نیامد؛ اما بدتر از استعمار پیش آمد

۱. ۲۲ اسفند ۱۳۷۹، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

۲. ۱۳ بهمن ۱۳۷۷، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان).

۳. همان.

حکومت‌های ایرانی را به شدت در مشقت گرفت و هر کار خواست به وسیله‌ی آن‌ها انجام داد؛ از آن روز تا روزی که انقلاب پیروز شد، در حدود صد و هفتاد، هشتاد سال طول کشیده است. در تمام این مدت، همه‌ی عوامل قدرت قدرت‌های بزرگ جهانی، عوامل قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی کار کرده بودند برای اینکه این ملت ریشه‌دار تاریخی با فرهنگ شجاع بزرگ را آن‌چنان ضعیف و خرد و ناامید و مأیوس کنند که هیچ خطری از ناحیه‌ی آن، قدرت‌های بزرگ را تهدید نکند. امام در مقابل چنین واقعیتی قرار گرفت. البته از این صد و هفتاد، هشتاد سال، عمده‌ی مدتش دولت انگلیس، از سال سی و دو به بعد دولت امریکا و در اواسط هم نفوذ دولت روسیه و رقابت‌های روس و انگلیس در ایران بود؛ در دوران قاجاریه یک‌طور، در دوران رژیم پهلوی به مراتب خطرناک‌تر و سخت‌تر. آن‌ها هر کاری توانسته بودند، با این ملت کردند. نتیجه این شد که در مقابل امام، کشوری وجود داشت که از لحاظ سیاسی وابسته و تابع بود. هر کاری که دولت امریکا در آن برهه اراده می‌کرد، در ایران انجام می‌گرفت. هر کاری می‌خواستند، می‌توانستند بکنند؛ در زمینه‌ی اقتصادی، در زمینه‌ی نفت، در زمینه‌ی انتصابات، در زمینه‌ی دولت‌ها فلان دولت برود، فلان دولت بیاید در زمینه‌ی ارتباطات بین‌المللی، در زمینه‌ی عادات و رفتاری که بر مردم تحمیل می‌شد، در زمینه‌ی دانشگاه‌ها. بنابراین، هر کار می‌خواستند در ایران بکنند، می‌توانستند. ما کاملاً تابع و وابسته شده بودیم. از لحاظ اقتصادی، کاملاً مصرف‌کننده و فقیر بودیم؛ همه چیز را باید وارد می‌کردیم. من یک وقت گفتم، اما بعضی‌ها باور نمی‌کردند؛ اما باور کنید که در کشور ما «دسته‌ی بیل» وارد می‌کردند؛ سوزن خیاطی وارد می‌کردند؛ انواع و اقسام خوراکی‌ها وارد می‌کردند؛ انواع و اقسام محصولات صنعتی وارد می‌کردند! همه چیز مصرفی بود؛ یعنی این ملت، این استعدادها، این مغزها و این جوانان، قدرت یا فرصت این را نداشتند که بخشی از نیازهای خودشان را خودشان تولید کنند، که بتوانند بگویند ما به خارج



احتیاجی نداریم. اگر صنعتی را هم در داخل کشور می‌آوردند مثل صنعت اتومبیل‌سازی، یا ذوب آهن و امثال این‌ها، که به شکل بسیار ناقصی وارد کشور شده بود سرتا پای آن صنعت، وابستگی بود. وسایل پیشرفته و مدرنی هم که می‌فروختند مثل هواپیماهای جنگی اجازه‌ی تعمیرش را حتی به داخل نمی‌دادند؛ تعمیرش هم باید در خارج انجام می‌گرفت! از لحاظ اقتصادی، صددرصد وابسته و مصرف‌کننده؛ از لحاظ علمی، تقریباً صفر؛ این ملت هیچ حرف تازه‌ای در بازار علم و دانش نوبی جهانی نداشت. در دانشگاه‌ها که البته از لحاظ کمیت هم بسیار کم بودند؛ که در آخرین سال‌های رژیم پهلوی، در حدود یک دهم وضع فعلی، دانشجو در کشور بود اگر درسی در کلاسی گفته می‌شد در هر زمینه‌ای؛ چه علوم انسانی، چه علوم فنی و صنعتی، چه علوم طبیعی همان حرف‌های دیگران بود؛ چیز نوبی از لحاظ علمی وجود نداشت! از لحاظ ثروت ملی، غارت‌زده بودیم: نفت را می‌بردند، معادن را می‌بردند، همه چیز را می‌بردند؛ با هر قیمتی که خودشان می‌خواستند!

آن‌ها وابسته بودند. وابستگی‌شان به خاطر این بود که از مردم به کلی بریده بودند. برای حفظ حکومت خودشان، خود را ناچار می‌دانستند که به خارجی‌ها متکی شوند. رضاخان را انگلیسی‌ها سرکار آوردند، که جزو تواریخ مشخص و مسلم و روشن است. محمدرضا را هم انگلیسی‌ها تثبیت کردند. بعد از دوره حکومت دکتر مصدق، کودتا را امریکایی‌ها به راه انداختند و البته از دست انگلیسی‌ها ربودند و آن‌ها خودشان تسلط پیدا کردند. این‌ها در اغلب امور این کشور، وابسته بودند. مستشاران امریکایی و ده‌ها هزار امریکایی دیگر در مهمترین مراکز نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی و سیاسی این کشور شغل‌های حساس و درآمدهای گزاف داشتند و آن‌ها در حقیقت کارها را انجام می‌دادند و به آن‌ها خط می‌دادند. دستگاه اطلاعاتی این کشور را امریکایی‌ها

و اسرائیلی‌ها به وجود آوردند. در سیاست‌ها، تابع نظرات انگلیسی‌ها و در این اواخر، تابع نظرات امریکایی‌ها بودند. در زمینه منطقه‌ای و جهانی، حتی در زمینه‌های اقتصادی - مثلاً قیمت نفت چقدر باشد، فروش نفت چگونه باشد، وضع شرکت‌های خارجی در نفت ایران به چه کیفیت باشد - در همه این مسائل مهم و حساس، آن چیزی کاری را انجام می‌دادند که از آن‌ها خواسته شده بود! البته منافع خودشان را هم در نظر داشتند. برای خارجی‌ها فداکاری نمی‌کردند، بلکه برای حفظ حکومت خودشان، صددرصد به بیگانگان میدان می‌دادند و به آن‌ها تکیه می‌کردند و دست آن‌ها را در تطاول به این کشور و این ملت باز می‌گذاشتند.<sup>۱</sup>

## ۱-۲-۲. وابستگی صنایع نظامی و هواپیمایی

امریکایی‌ها هواپیماهای جنگی و بقیه‌ی ابزارهای خودشان را به ما می‌فروختند؛ ولی اجازه‌ی تعمیر آن‌ها را به ما نمی‌دادند! البته داستان آن فروش‌ها هم داستان عجیبی است. آن روز صندوق مشترکی بین ایران و امریکا وجود داشت که بنده اوایل انقلاب که به وزارت دفاع رفتم و در آن‌جا مشغول کار شدم، این را کشف کردم؛ بعد به مجلس رفتم و آن را پیگیری کردم، که متأسفانه تا امروز هم امریکایی‌ها جواب نداده‌اند! صندوقی با نام اختصاری F.M.S داشتند که دولت ایران پول را در آن صندوق می‌ریخت؛ اما قیمت جنس و نوع جنس و برداشت پول را امریکایی‌ها به عهده داشتند! وقتی انقلاب پیروز شد، میلیاردها دلار در این صندوق پول بود که هنوز هم امریکایی‌ها جوابی نداده‌اند و آن پول‌ها را به ملت ایران برنگردانده‌اند. وقتی همین وسیله‌ی پرنده به ایران می‌آمد، بعد از مدتی محتاج تعمیر می‌شد. شما خیال می‌کنید این‌جا تعمیر‌گاه

۱. ۱۳ بهمن ۱۳۷۷، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان).

و کارگاه و امثال این‌ها داشتند؟ ابداً. آن قطعه‌ای که خراب شده بود و آن را از داخل هواپیما بیرون آورده بودند - چون قطعه‌های بزرگی وجود دارد که گاهی مرکب از ده‌ها قطعه است - اجازه نمی‌دادند که در این‌جا باز شود و روی آن تعمیر صورت گیرد. با هواپیما به آمریکا می‌بردند و آن را با قطعه‌ای جدید عوض می‌کردند و مجدداً به ایران باز می‌گرداندند! با این ملت، این‌گونه رفتار کرده بودند. امروز ملت ایران، مثل همان هواپیما را می‌سازد. هواپیمای «تندر»ی که پرسنل ما ساخته بودند، پرواز کرد. این وضعیت اصلاً با آن دوره قابل مقایسه نیست. بنابراین ما پیشرفت زیادی کرده‌ایم؛ منتها اگر از من پرسید که آیا به این حد قانعم، پاسخ من این است: ابداً. ما هنوز راه زیادی داریم.<sup>۱</sup>

## ۲ - ۲ - ۲. وابستگی اقتصادی

با نابود کردن کشاورزی ملی و وابسته کردن صنعت ناقص و معیوب، و باز گذاشتن دست بیگانگان حریص و نوکران دربار و غارت منابع نفتی و بذل و بخشش ثروت ملی به اربابان آمریکایی و اروپایی و ویران کردن روستاها و تبدیل ایران به بازار کالاهای بی‌ارزش خارجی و پس‌مانده‌ی محصولات کشاورزی آمریکا و برنامه‌های خائنانه‌ی دیگری از این قبیل، اقتصاد کشور را دچار انحطاط مزمن و وابسته به اراده‌ی قدرت‌های خارجی کرده و رگ حیات ملت را به دست دشمنان سپرده بود.<sup>۲</sup>

## ۳ - ۲ - ۲. وابستگی سیاسی

در اوایل رفتن رضاخان که هنوز تکلیف سلطنت در ایران درست معلوم نشده

۱. ۲۲ اسفند ۱۳۷۹، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

۲. ۲۱ بهمن ۱۳۷۷، پیام به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی.

بود، سفیر انگلیس در تهران به کسی که از طرف محمدرضا به او مراجعه کرده بود که تکلیف خودش را بداند، می‌گوید که چون بر طبق اطلاعات ما، محمدرضا به رادیو برلین گوش می‌کند و پیشرفت‌های آلمان را روی نقشه پی می‌گیرد، پس مورد اعتماد ما نیست. آن شخص، خبر را به محمدرضا می‌دهد. او هم گوش کردن به رادیو برلین را ترک می‌کند و کنار می‌گذارد! آن وقت سفیر انگلیس می‌گوید: «حالا دیگر عیبی ندارد؛ می‌شود او را به سلطنت انتخاب کرد.» رژیم و دولتی که در راس آن کسی قرار دارد که تا این حد به یک سفارت بیگانه وابسته است که آن‌ها برای سلطنت او شرط‌های حقیر و ذلت‌آوری از این قبیل معین می‌کنند و او هم آن شرط‌ها را می‌پذیرد و عمل می‌کند تا آن‌ها او را به سلطنت برسانند، معلوم است که چقدر به بیرون از این مرزها و به قدرت‌های خارجی وابسته است.<sup>۱</sup> [از طرفی] شاه - محمدرضا - برای اینکه یک نخست‌وزیری را از کار برکنار کند و یک نخست‌وزیر دیگر را جای او بیاورد، مجبور شد برود آمریکا، دو هفته، سه هفته در آمریکا بماند، تا موافقت آن‌ها را جلب کند که این زید را از کار برکنار کند، این عمرو را به جای او بگذارد! کار کشور ما به اینجا رسیده بود. در سال‌های آخر حکومت پهلوی از این هم زشت‌تر بود. بحث رفتن به آمریکا دیگر نبود؛ همین‌جا سفیر آمریکا و سفیر انگلیس به کاخ شاه می‌رفتند، به او می‌گفتند شما در قضیه‌ی نفت این‌جوری عمل کنید، در قضیه‌ی ارتباطات جهانی این‌جوری عمل کنید، با ملت این‌جوری عمل کنید، با مبارزین این‌جوری عمل کنید؛ دستور می‌دادند. شاه هم قبول می‌کرد. خب، وقتی که رئیس یک مملکت این قدر ضعیف، این قدر زبون، این قدر در مقابل بیگانگان تسلیم باشد، دیگران وضعشان معلوم است. این وضع کشور ما بود.<sup>۲</sup>

۱. ۱۴ خرداد ۱۳۷۴، بیانات در مراسم ششمین سالگرد رحلت امام خمینی.

۲. ۱۲ آبان ۱۳۸۸، بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان و خانواده‌های شهدا.

### ۳ - ۲. کودتایی بودن

حکومت آن‌ها تحمیلی و کودتایی بود. با کودتا سرکار آمده بودند؛ هم رضاخان با کودتا سرکار آمده بود، هم محمدرضا با کودتا سرکار آمد. حکومت کودتایی، معلوم است چطور حکومتی است: بر مردم تحمیل بودند و از آراء مردم، عقاید مردم، دل‌بستگی‌های مردم، فرهنگ مردم و درخواست و اراده آن‌ها هیچ نشانی نبود. آن‌ها برای آراء مردم، برای خواست مردم، برای عقاید مردم، برای دین مردم و برای فرهنگ مردم، هیچ احترامی قائل نبودند؛ هیچ رابطه صمیمی و دوستانه‌ای با مردم نداشتند. رابطه، رابطه خصمانه بود؛ رابطه ارباب و رعیت بود؛ رابطه آقای و نوکری بود؛ سلطنت بود دیگر! سلطنت و پادشاهی، معنایش همین است؛ یعنی حکومت مطلقه‌ای که هیچ تعهدی در مقابل مردم ندارد. خانواده پهلوی، پنجاه سال در کشور ما این‌گونه زندگی کردند.<sup>۱</sup>

### ۴ - ۲. بی‌کفایتی

رژیم پهلوی که در بی‌کفایتی و فساد و سرسپردگی به بیگانگان در میان حکومت‌های فاسد این منطقه از همه روسیاه‌تر بود، در طول ده‌ها سال حکومت خود بزرگ‌ترین ضربه‌ها را بر ملت و کشور ایران وارد آورده بود، ملت را با دیکتاتوری خشن و سرکوب بی‌رحمانه از صحنه‌ی سیاسی کشور بیرون رانده، منافع کشور را قربانی بندوبست با قدرت‌های مداخله‌گر و کمپانی‌های غارتگر کرده، جوانان را با رواج ابتذال و شهوت‌رانی از اندیشیدن به سرنوشت کشور

۱. ۱۳ بهمن ۱۳۷۷، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان).

بازداشته و صدای هر معترض و آزادی خواهی را در گلو شکسته بود.<sup>۱</sup>

آن‌ها بی کفایت بودند. شما وضع کنونی کشور را مشاهده می کنید. شکی نیست که هرکسی در این کشور می داند ... که ما در میدان های علمی دنیا و در میدان صنعت و فناوری و پیشرفت های علمی و تحقیقات، جزو کشورهایی هستیم که سال‌ها باید تلاش کنیم تا خودمان را به آن نقطه ای که شایسته ماست، برسانیم. این عقب افتادگی، بر اثر پنجاه سال حکومت رژیم بی کفایتی است که نتوانست از ظرفیت عظیم این کشور و از استعداد خروشان این ملت استفاده کند. شما این استعداد امروز را نگاه می کنید و می بینید. ببینید جوانان ما در میدان های مسابقات علمی دنیا، چه بروز و ظهور و تبرزی پیدا می کنند! در گذشته، از این استعدادها استفاده نمی شد و به آن‌ها بی اعتنایی می شد. صرفاً در جهت اهداف و خواسته های نامشروع خودشان از آن استفاده می کردند. البته بعضی ها می گذاشتند می رفتند، خیلی ها هم می ماندند؛ لیکن بدون آن که در استعدادهای آن‌ها هیچ درخششی به وجود آید و کاری انجام گیرد.

مملکت را ویرانه رها کرده بودند. بعد از جنگ، یکی از بزرگترین کارهای ما، اصلاح ویرانی های جنگ بود. می دیدیم که آنچه جنگ برسر این ملت آورده، به مراتب کمتر از آن چیزی است که حکومت سال های متمادی خاندان پهلوی آورده بود! چنین حکومتی، سال‌ها بر مردم حکومت کرده بود.<sup>۲</sup>

۱. ۲۱ بهمن ۱۳۷۷، پیام به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی.

۲. ۱۳ بهمن ۱۳۷۷، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان).

## ۱ - ۴ - ۲. بی‌اعتنائی به پیشرفت علمی، ترویج خودکم‌بینی ملی و بزرگنمایی غربی

بی‌اعتنائی به پیشرفت علمی، ترویج خودکم‌بینی ملی و بزرگنمایی غربی؛ حالا کار علمی که پیشرفت نمی‌کرد، حرکت علمی به معنای واقعی کلمه که اصلاً وجود نداشت، در رسانه‌ها ذائقه‌ی مردم را به واردات عادت دادند که این عادت متأسفانه تا امروز باقی است. عادات طولانی مدتی که برای مردم به وجود می‌آید، به آسانی از بین نمی‌رود. این‌ها به جای کشاندن کشور به سمت احیای تولیدات داخلی و منابع حقیقی یک ملت، مردم را با پول نفت عادت دادند به واردات؛ ذائقه‌ی مردم را عوض کردند؛ کشاورزی کشور را نابود کردند، صنایع واقعی و ملی کشور را از بین بردند، کاملاً کشور را وابسته کردند به خارج و به دشمنان این ملت. ملت را تحقیر کردند، توانایی‌های ملت را دست‌کم گرفتند، به زبان آوردند، فرهنگ غربی را بزرگنمایی کردند؛ یک رژیم هفت‌جوش<sup>۱</sup> خبیث جامع همه‌ی بدی‌ها.<sup>۲</sup> [همچنین] ایمان و فرهنگ و اعتقادات ملت ایران را به تمسخر گرفته و با تحقیر آن و ترویج تحمیلی فرهنگ غرب، به مبارزه‌ای جدی با خودباوری و اعتمادبه‌نفس این ملت بزرگ کمر بسته بود.<sup>۳</sup>

اسم می‌آوردند که ما می‌خواهیم زبده پرورش بدهیم؛ اما در طول پنجاه سال، آن‌ها توانسته بودند حدود صدوپنجاه هزار دانشجو در این کشور داشته باشند. من در استان سیستان و بلوچستان تبعید بودم - آن روز دقیقاً آمارش را می‌دانستم، اما الان درست یادم نیست - گمانم در همه‌ی استان که آن روزها حدود ششصد، هفتصد هزار نفر جمعیت داشت، سه نفر لیسانس‌یاب بودند! تعداد دیپلمه‌های آن استان بسیار کم بود؛ مثلاً بیست نفر بودند! امروز شما می‌بینید

۱. حيله‌گر.

۲. ۱۷ دی ۱۳۹۳، بیانات در دیدار مردم قم.

۳. ۲۱ بهمن ۱۳۷۷، پیام به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی.

که تمام شهرهای کشور دانشگاه دارند. حتی در بسیاری از شهرها دانشگاه‌های متعدد و دانشجویان فراوان و رشته‌های متنوع و پیشرفت‌های علمی فراوانی دارند.<sup>۱</sup>

### ۲ - ۴ - ۲. بی‌اعتنایی به مسائل عمرانی و رفاهی

آن روز برای مسئولان کشور کارهای نمایشی در درجه‌ی اول بود. به روستاها، به جاده‌های روستایی، به برق‌رسانی روستایی، به بقیه‌ی چیزهایی که در شهرهای دور بود، مطلقاً اعتنایی نمی‌شد.<sup>۲</sup>

### ۳ - ۴ - ۲. بی‌اعتنایی رؤسای کشورها به شاه در تهران

رئیس سه کشور - که متحدین جنگ بودند - به تهران آمدند و بدون اینکه از دولت اجازه بگیرند، بدون اینکه به دولت مرکزی کمترین اعتنایی بکنند، در اینجا جلسه تشکیل دادند. روزولت، چرچیل و استالین به میل خودشان به تهران آمدند و جلسه تشکیل دادند؛ نه از کسی اجازه گرفتند، نه گذرنامه‌ای نشان دادند. محمدرضا که آن روز پادشاه ایران بود، مورد اعتنای این‌ها قرار نگرفت؛ آن‌ها به دیدن او نرفتند، او به دیدن آن‌ها رفت؛ وارد اتاق شد، برایش بلند نشدند، اعتنا نکردند! ببینید ذلت یک دولت مرکزی که سرریز می‌شود بر روی مردم، تا کجاها منتهی می‌شود؟ این، حضيض ذلت یک حکومت و یک ملت است.<sup>۳</sup>

۱. ۲۲ اسفند ۱۳۷۹، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

۲. همان.

۳. ۱۴ خرداد ۱۳۹۱، بیانات در مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی.



## ۵ - ۲. بی‌عدالتی

یک روزی بود که بیشترین منابع این کشور در مناطق مخصوصی که تعلق خاصی داشت به قدرتمندان آن روز و به دربار آن روز، صرف می‌شد؛ بسیاری از استان‌ها و شهرها هم از منابع عمومی کشور هیچ حظ و بهره‌ای نداشتند. قبل از انقلاب، یکی از استان‌های بزرگ این کشور ... پنج فرودگاه اختصاصی در پنج نقطه‌ی استان داشت، که متعلق بود به وابستگان به دربار شاه؛ اما یک فرودگاه عمومی در آن استان وجود نداشت! یعنی مردم برای استفاده‌ی از فرودگاه و هواپیما و رفت‌وآمد هوایی، هیچ امکانی نداشتند؛ در حالی که در همان استان، پنج فرودگاه برای اشخاص خاص وجود داشت؛ این بی‌عدالتی بود. امروز وقتی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم از لحاظ خدمات، از لحاظ جاده‌سازی، از لحاظ ساختن بزرگراه‌ها و آزادراه‌ها و جاده‌های راحت، سرتاسر کشور برخوردارند. از لحاظ گسترش تحصیل علم، در سرتاسر کشور این امتیاز و این امکان وجود دارد. ... مناطق متعددی از کشور در آن روز، حتی شهرها، از لحاظ دبیرستان در مضیقه بودند. بنده در استان سیستان و بلوچستان تبعید بودم؛ اوضاع را آنجا می‌دیدم. از لحاظ دبیرستان، بسیاری از شهرهای آن استان در مضیقه بودند. یک مرکز نیم‌بند ضعیف درجه‌ی سوم چهارم دانشگاهی در کل آن استان وجود داشت.<sup>۱</sup> [همچنین] از لحاظ اجتماعی و وضعیت فقیر و غنی، کشور به شدت مفلوک بود. هزاران، بلکه ده‌ها هزار روستا در این کشور بود که برق و آب تصفیه شده و امثال این‌ها را نه دیده بودند، نه امیدش را داشتند! فقط به تهران و چند شهر بزرگ می‌رسیدند؛ آن هم به آن شکلی که همان روز تهران یکی از کثیف‌ترین و زشت‌ترین پایتخت‌های دنیا محسوب می‌شد! فقط به خودشان می‌رسیدند؛ هر جا خودشان جا پایی داشتند، آنجا فرودگاه هم بود،

۱. ۲۲ مهر ۱۳۹۱، بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان خراسان شمالی.

وسایل راحتی هم بود؛ اما آنجایی که مربوط به خودشان نبود، به کلی رها شده بود! شکاف طبقاتی در اعلی درجه‌ی خود بود.<sup>۱</sup>

آن ظلم‌ها، آن زورگویی‌ها، آن از بالا حقوق افراد جامعه را غصب کردن‌ها، آن مال‌اندوزی‌های قدرتمندان - که آن کسی که در رأس قدرت قرار داشت، از همه‌ی مردم کشور ثروتمندتر بود - امری عادی نبود. سلاطین قاجار، سلاطین پهلوی ... آن کسانی که در رأس حکومت بودند و آن کسی که به

عنوان پادشاه در این کشور زندگی می‌کرد و رئیس کشور بود، از همه‌ی افراد ملت ثروتمندتر بودند. این، از کجاست؟ مگر جز با ظلم، چنین چیزی ممکن است؟ اموال مردم را می‌گرفتند. رضاخان هر جا ملک خوبی بود، هر جا چیز چشمگیری بود، هر جا عمارت زیبایی بود، دست می‌گذاشت و ثروت انبوه عظیمی برای خودش درست می‌کرد و چقدر از مناطق کشور را که یکجا دست گذاشت و آن را متعلق به خودش کرد! بازماندگان او هم همین‌طور بودند. در رأس قدرت، بی‌عدالتی مطلق بود. هرچه از رأس قدرت پایین‌تر می‌آمدیم، این بی‌عدالتی هم پایین‌تر می‌آمد و گسترش پیدا می‌کرد. هر کس در آن نظام دستش می‌رسید که به دیگری ظلم کند، ظلم می‌کرد. جلوگیری هم نداشت. جلوداری هم نبود. آن نظام‌ها، این‌گونه بودند.<sup>۲</sup>

## ۶ - ۲. دیکتاتوری سیاه و خفقان عجیب علیه مردم

یکی از خصوصیات آن رژیم فاسد، «دیکتاتوری سیاه و خفقان عجیب علیه مردم، با قساوت‌آمیزترین روش‌ها» [بود] که ممکن است در جاهای دیگری از کشورها هم وجود داشته باشد. در اینجا خود ما از نزدیک مشاهده کردیم

۱. ۹ مهر ۱۳۷۸، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه.

۲. ۱ فروردین ۱۳۷۶، بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی.

که چه می‌کردند و چه رفتاری داشتند با آحاد مردم؛ هم در دوران رضاخان که گذشتگان ما، بزرگ‌ترهای ما آن را دیده بودند و برای ما نقل کردند، هم در دوران اخیر، که خود ماها، آحاد مردم، در میدان بودیم. جوان‌ها البته آن دوران را ندیدند. حرف‌های فراوان و موثق [وجود دارد] از آنچه این‌ها با مردم، با مبارزین و با کسانی که انتقاد داشتند - ولو انتقادهای اندک - داشتند انجام می‌دادند؛ رفتارهایی که این‌ها می‌کردند، آن شکنجه‌ها، آن فشارهای عجیب و غریب جسمی و روحی، آن زندان‌های مخوف، که امروز برخی از نشانه‌های آن‌ها هست که افراد می‌روند می‌بینند تعجب می‌کنند. یکی از کارها این بود، این‌ها با قدرت زور و استبداد و فشار بر مردم، حکومت خودشان را ادامه می‌دادند؛ و همین کسانی که امروز دم از حقوق بشر می‌زنند و این ادعاهای رسوا را مرتب، پی‌درپی تکرار می‌کنند، با همه وجود طرف‌دار این‌ها بودند؛ نمی‌شود هم گفت خبر نداشتند، چرا! دستگاه جهنمی ساواک را خود صهیونیست‌ها و خود آمریکایی‌ها و سیای آمریکا به وجود آورده بودند، روش‌ها را آن‌ها بهشان یاد داده بودند، چطور ممکن بود خبر نداشته باشند. حالا که اخیراً معلوم شد خود این‌ها هم دچار یک چنین مشکلات عظیمی هستند؛ این افشاگری‌هایی که در این اواخر انجام گرفت نسبت به رفتار سازمان‌های جاسوسی آمریکا با مخالفین و معاندین، این‌ها کجا، سخن از آزادی بیان و لیبرالیسم و دموکراسی و اعتنای به حرف مردم کجا! اصلاً عالم عجیبی است! در کشور ما، آن رژیم خبیث، یکی از خصوصیاتش این بود: شدت عمل، قساوت کامل نسبت به هر کسی که اندک اعتراضی به آن‌ها داشت و مطلع می‌شدند.<sup>۲</sup> کمترین انتقادی از رژیم ظالم و سفاک با برخورد‌های خشن و خونین روبه‌رو می‌شد و ساواکِ جهنمی شاه که به وسیله‌ی سیای آمریکا و

۱. اعتراف رئیس‌جمهور آمریکا و معاون وقت رئیس‌جمهور سابق این کشور به شکنجه‌ی زندانیان در سازمان سیا.

۲. ۱۷ دی ۱۳۹۳، بیانات در دیدار مردم قم.

صهیونیست‌های ضد بشر سازماندهی و تجهیز شده بود، سخت‌ترین شکنجه‌ها و مخوف‌ترین زندان‌ها را برای سرکوب کسانی که جرئت مقابله با آن رژیم را به خود می‌دادند، آماده داشت.<sup>۱</sup> محمد رضای پهلوی در سال‌های دهه‌ی چهل و دهه‌ی پنجاه شدیدترین فشارها را بر این ملت و بر مبارزان و بر آزادی‌خواهان - خشن، بدون اندک ملاحظه‌ای از مردم - وارد کرد؛ اما همین آدم در مقابل سفیر آمریکا و سفیر انگلیس خشوع و خضوع می‌کرد و از آن‌ها حرف می‌شفت! ناراحت هم بود، اما مجبور بود. این حکومت یک ملتی است که از عزت ملی محروم است.<sup>۲</sup>

## ۷-۲. بی‌اعتنایی به مردم

از جمله‌ی خصوصیات مهم رژیم طاغوت «بی‌اعتنایی به مردم» بود؛ مردم به هیچ‌قیمت به حساب نمی‌آمدند. ما در دوران عمرمان، در دوران جوانی در رژیم گذشته، یک بار هم نه در انتخاباتی شرکت کرده بودیم، نه از مردم کوچه و بازار معمولی می‌شنیدیم که شرکت کنند؛ انتخاباتی وجود نداشت. در یک برهه‌ای خیلی صریح، در یک برهه‌ای کمتر صریح، دخالت‌های آن‌ها بود؛ یک مشت مزدور را می‌بردند، می‌نشانند آنجا و به وسیله‌ی آن‌ها در مجلس شورا و مجلس سنا کار خودشان را انجام می‌دادند. مردم اصلاً نمی‌دانستند چه کسی در رأس کار است؛ اصلاً رابطه‌ی بین مردم و حکومت قطع بود. آگاهی مردم، اطلاع مردم از مسائل کشور، از مسائل سیاسی که شما امروز می‌بینید، این درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که آن روز وجود داشت؛ رژیم خبیث به کل منقطع بود با آحاد مردم.<sup>۳</sup> درحالی که فقر و تنگدستی و گرسنگی و سطح پایین زندگی، گسلی اکثریت ملت ایران را می‌فشرد، اسراف

۱. ۲۱ بهمن ۱۳۷۷، پیام به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی.

۲. ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۸، بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج.

۳. ۱۷ دی ۱۳۹۳، بیانات در دیدار مردم قم.

و ولخرجی و تجمل و زندگی‌های افسانه‌وار و کاخ‌های شاه و خانواده و رجال درباری و فرماندهان نظامی‌اش از یک طرف و غارت منابع ملی به وسیله‌ی کمپانی‌های بیگانه و دلالان داخلی‌شان از طرف دیگر، روزبه‌روز عرصه را بر مردم تنگ‌تر می‌کرد.<sup>۱</sup>

### ۱ - ۷ - ۲. تبیین سیاست رژیم پهلوی در سیستان و بلوچستان

در زمان رژیم ستمشاهی - چه دوران منحوس پهلوی، چه دوران منحوس قاجار - در آن منطقه [سیستان و بلوچستان] خیلی ستم شده است. شاید شماها بدانید که هنوز هم در گوشه و کنار بلوچستان، به فارس‌ها «گجر» می‌گویند. گجر، یعنی قاجار، قجر؛ مثل این که ما می‌گوییم «مغول». علتش خاطره‌ی تلخی است که آنان از دوران قاجاریه دارند؛ از بس به آنان در آن دوران ستم شد.

در دوران منحوس پهلوی هم وضع بهتر از دوران قاجاریه نبود. سیاست رژیم پهلوی در بلوچستان این بود که خوانین را به خودشان جذب کنند و از خوانین امنیت منطقه را بخواهند؛ مثل تیولدارهای زمان قدیم، که شاه یک کشور کسی را به منطقه‌ی می‌فرستاد و مثلاً می‌گفت خراسان در تیول تو؛ ما می‌خواهیم خراسان را از این کشور جدا نکنند؛ مالیاتی هم هر سال با هدایا برای ما بفرست؛ دیگر هر کار می‌کنی، با خودت! او هم به آن جا می‌رفت؛ اگر قرار بود که مثلاً ده کرور بفرستد، سی کرور یا پنجاه کرور از مردم درمی‌آورد! حالا چگونه درمی‌آورد، آن مربوط به خودش بود. کشتارها، ظلم‌ها، بی‌عدالتی‌ها، ناحق کردن حق‌ها، ضایع کردن ضعف‌ها و رشد دادن گردن کلفت‌ها، به دولت مرکزی ربطی نداشت!

۱. ۲۱ بهمن ۱۳۷۷، پیام به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی.

در زمان پهلوی، سیستان و بلوچستان این وضعیت را داشت. در آنجا خوانینی از قبایل مختلف ریگی و مبارکی و نارویی و شش زهی بودند؛ همین زهی‌های فراوان که شنیده‌اید و هست. رئیس قبیله در مقابل استاندار مسئول بود؛ و اگر خوب عمل می‌کرد، پاداش او هم و کالت مجلس بود؛ یک دوره بیاید و کیل مجلس بشود و سور و سات استاندار و دستگاه دولتی هم فراهم باشد!

دستگاه کاری به کار امنیت منطقه نداشت. وقتی که من در آنجا بودم، بین همین ایرانشهر و چابهار، به اصطلاح حافظ امنیت این مناطق، دلاورهای آن رژیم بودند. دلاورها چه کسانی بودند؟ یک چند نفر بلوچ فقیر محروم مظلوم بدبختی که به آن‌ها چوبدستی یا تفنگ برنو داده بودند و گفته بودند که شما در این جاده مواظب باشید. آن‌ها مواظب بودند؛ حالا مواظب چه چیزی، آن هم خیلی روشن نیست؛ طبیعتاً طبق معیارهای خود آن‌ها عمل می‌کردند.

آن خان، پدر آن مردم را درمی‌آورد. من در بلوچستان وضعیتی را دیدم که حقیقتاً قابل توصیف نیست؛ یعنی اگر کسی توصیف کند، شما باور نخواهید کرد؛ یعنی این قدر با حالا فاصله دارد. یک عده در آنجا از همه جهت در نهایت راحتی و آسایش زندگی می‌کردند؛ در ایرانشهر، مثل اعیان تهران زندگی می‌کردند! در فنوج و اسپکه و آن دوردست‌هایی که پای آدم‌های معمولی به آنجا نمی‌رسید، این‌ها در وضعیت اشرافی زندگی می‌کردند! در همان شهرها مردمی بودند که اولیات زندگی برایشان وجود نداشت؛ یعنی فقر به معنای تلخ و سیاه، مسئله‌ی آن وقت در آنجا بود؛ نه جاده‌ای، نه آبی، نه برقی، نه در تابستان وسیله‌ی خنک‌کننده‌ای. مردم آنجا این طور محروم شدند.

مردم هم راه زندگی را فهمیده بودند. هر کس می‌خواست زندگی کند، باید منفذی به آن خان می‌یافت. آخوند هم اگر می‌خواست زندگی کند، بایستی خودش را به خان وصل می‌کرد؛ لذا خیلی از روحانیون آنجا هم به خوانین

متصل شده بودند، با آن‌ها ارتباط داشتند، با آن‌ها مأنوس بودند و زندگیشان یک طوری می‌گذشت. این، وضعیت بلوچستان بود. مردم در آن‌جا این‌گونه رنج کشیدند.

جمهوری اسلامی در آن‌جا پیام‌آور یک عطیه‌ی بزرگ بود، و آن این‌که طبقه‌ی ستمگر - خوانین - حذف شدند؛ هرچه هم آمدند و تلاش کردند، نشد. من خودم در سال ۵۸ به بلوچستان رفتم؛ همه‌ی این خوانین درجه‌ی یک بلوچستان به ایرانشهر آمدند و با من ملاقات کردند، تا شاید بتوانند تقرب و تحبیبی پیدا کنند. من سیاست جمهوری اسلامی را برای آنان روشن کردم. خوانین امیدی پیدا نکردند. البته کسانی بودند که این سیاست را قبول نداشتند. ما نمی‌خواستیم در آن‌جا سیاست اعمال کنیم؛ ما می‌خواستیم حقیقت را در آن‌جا اعمال کنیم. حقیقت این بود که مردمی بودند و باید زیر سایه‌ی جمهوری اسلامی زندگی می‌کردند؛ الان هم آن مردم هستند. بحمدالله خوانین دستشان کنده شد؛ هرچند جمهوری اسلامی سختی‌های زیادی کشید.<sup>۱</sup>

### ۳. ویژگی‌های انقلاب اسلامی

با انقلاب اسلامی در ایران و با تشکیل نظام اسلامی در این نقطه‌ی از عالم و با مبارزات طولانی که ملت ما پشت سر رهبر عظیم‌الشأنش، برای حفاظت از انقلاب و اسلام انجام داد، عصر جدیدی با خصوصیات متمایز با دوران قبل، در عالم به‌وجود آمد... [قدرت‌های مادی دنیا] اعتراف نمی‌کنند که دوران جدیدی آغاز شده است؛ اما تحت تأثیر این دوران قرار گرفته‌اند و آن را احساس می‌کنند. این عصر و این دوران جدید را باید «دوران امام خمینی» نامید.<sup>۲</sup>

۱. ۲۷ آبان ۱۳۷۰، بیانات در دیدار روحانیون دفتر نمایندگی ولی‌فقیه در امور اهل سنت.

۲. ۱۴ خرداد ۱۳۶۹، بیانات در مراسم رحلت امام خمینی.

## سرمایه‌های انقلاب

دو نکته اساسی در حرکت امام بزرگوار بود که همین دو نکته، سرمایه ارزشمند این انقلاب بود و هست: یکی این است که هدف این انقلاب، اسلام است. دوم این که سربازان این انقلاب و لشکر این انقلاب، مستضعفان و پابرهنگان و همچنین قشر جوانند.<sup>۱</sup>

یکی از خطوط روشن نهضت عاشورا و بلکه خط نشان نهضت عاشورا، عبارت است از استقامت امام حسین 7، امام بزرگوار ما ؛ همین خط نشان حسینی را در نهضت، در منش و در زندگی خود انتخاب کرد و لذا توانست جمهوری اسلامی را بیمه کند. توانست دشمن را از تهدید و از فشار منصرف کند. چون به دشمن تفهیم کرد که فشار، اثری ندارد. تهدید، اثری ندارد. حمله، اثری ندارد و این حرکت و این رهبر، جریان و کسی نیست که با این حرف‌ها، از راهی که می‌رود برگردد ... ما [نیز] دنباله‌رو راه امام بزرگواریم... تا امروز، علی‌رغم تهدیدها و فشارهای دشمن، روز به روز پیشرفت کرده‌اید. هیچ کس نمی‌تواند انکار کند که دست‌های خدمتگزار و بازوان توانا در بخش‌های مختلف این کشور، طی این هفده سال، مملکت را پیش بردند. این کشور، ایرانی نیست که در دوران ستم‌شاهی، با آن همه نابسامانی، با آن همه محرومیت و با آن همه تبعیض بود. در این کشور، در طی این [چندین] سال انقلاب، کار و تلاش و خدمتی انجام گرفته است که در همه عمر آن رژیم پلید فاسد، انجام نگرفته بود. این، نکته اول.

نکته دوم این است که همه این پیشرفت‌ها در حالی انجام گرفته است که دشمنان ما - یعنی امریکا و هم‌پیمان‌های امریکا در مسائل سیاسی و اقتصادی و غیره - به طور مداوم ما را تهدید کردند. مدام به ما گفتند: «محاصره اقتصادی

۱. ۱۴ خرداد ۱۳۷۷، بیانات در مراسم رحلت امام خمینی.



می‌شوید.» پیوسته گفتند: «از گرسنگی می‌میرید.» دائم گفتند: «راه سازندگی در این کشور، بسته خواهد شد.» و ده‌ها تهدید دیگر. بحمدالله، این همه پیشرفتی که انجام گرفته است، علی‌رغم تهدیدها، دشمنی‌ها و فشارهای آن‌ها انجام گرفته است.

نکته سوم این است که عزیزان من! برادران و خواهران من! ای ملت بزرگ! بدانید، امروز هدف عمده امریکا و استکبار این است که انقلاب را، جمهوری اسلامی را و ملت ایران را وادار کند که از حرف خود برگردد. اعلام کند که از حرف خود و از حرف امام برگشته است. همه همتش مصروف این است. چرا؟ برای این که می‌بیند پیام امام، ملت‌های مسلمان را بیدار کرده است. به ملت‌های گوناگون دنیا و عمدتاً ملت‌های مسلمان نگاه کنید! ببینید چطور تحت تأثیر پیام امام بزرگوار قرار دارند! استکبار فهمیده است که اگر بخواهد ملت‌ها را ساکت کند، از راه صحیح منحرف سازد و سر جای خود بنشاند، تنها راهش این است که کاری کند که این ملت‌ها ببینند ایران اسلامی و ایران امام، از راه خود برگشته است؛ تا همه مأیوس شوند و از راه خودشان برگردند. استکبار این را فهمیده است و همه تلاشش برای این است. امروز از اطراف دنیا، بر دولت جمهوری اسلامی فشار می‌آورند، برای این که در قضیه اسرائیل، کوتاه بیایید، در قضایای اسلامی کوتاه بیایید، در ندا دادن شعارهای اسلامی کوتاه بیایید و این قدر دم از اسلام و قرآن - که بین ملت‌های اسلامی مشترک است - نزنند. همه فشارها برای این است.

ملت ایران، اگر می‌خواهد راه عزت و پیشرفت را ادامه دهد - همچنان که بحمدالله در این چند سال، به برکت بازوان توانا و خدمتگزاری که در دولت جمهوری اسلامی تلاش و فعالیت، و در بخش‌های مختلف کار و پیشرفت کردند - اگر می‌خواهد راه توسعه، سازندگی و رفاه زندگی را ادامه دهد و به نتیجه برساند، باید به استقامت و ایستادگی در مقابل دشمنان و استکبار پردازد.

ملت ایران در این چند سال، دستاوردهای عظیمی داشته است. لذا وظیفه دارد که این دستاوردها را حفظ کند. ملت و بخصوص مسئولین جمهوری اسلامی، وظیفه دارند با حرکت عاقلانه، خردمندانه و حکیمانه، مانع شوند که دستاوردهای مردم ایران، خدای ناکرده از بین برود. چه دستاوردهایی که مستقیماً به وسیله انقلاب به این ملت داده شده است - مثل حکومت مردمی، دولت مردمی، رئیس جمهور مردمی، نمایندگان مردمی و از این قبیل - و چه دستاوردهایی که متعلق به انقلاب است، اما غیر مستقیم به این ملت داده شده است - مثل حرکات سازندگی؛ که همه، کار انقلاب و هنر انقلاب است و به وسیله عناصر انقلابی، در دولت و بخش‌های مختلف انجام گرفته است - دستاوردهایی چنین را ملت ایران و مسئولین، باید خردمندانه و حکیمانه حفظ کنند.

بدیهی است که راه حفظ این دستاوردها و به وجود آوردن دستاوردهای بیشتر، این است که ملت ایران و مسئولین، خط نشانی را که امام بزرگوار با عمل خود کشیده است؛ یعنی خط استقامت و ایستادگی در مقابل توقعات دشمنان و ایستادگی در مقابل یاوه‌گویی‌ها و پرگویی‌های کسانی که در بیرون این مرزها نسبت به این ملت ابراز توقع می‌کنند، ادامه دهند. اما این که مکرر گفته می‌شود «راه امام و خط امام» منظور چیست؟ ... آن عاملی که می‌تواند مقصود امام بزرگوار را - که پدر این انقلاب و معمار ایران اسلامی است - برآورده کند، استقامتی است که او در رفتار خود نشان داد. در مقابل دشمن، کوتاه نیامد؛ از دشمن نهراسید و نترسید و تهدیدها او را متزلزل نکرد.<sup>۱</sup>

هدف انقلاب در درجه اول این بود که نظامی در داخل کشور به وجود بیاورد که وابسته نباشد؛ بلکه مستقل باشد. وابستگی برای یک کشور و ملت، آفت

۱. ۱۴ خرداد ۱۳۷۵، بیانات در مراسم هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی.

بزرگی است و همه آفت‌های دیگر، بر آن مترتب می‌شود. ملتی که به یک قدرت خارج از خود وابسته است، خیرات، استعدادها و منابع عظیم انسانی و مادی‌اش در جهت خواست آن قدرت خارجی مصرف می‌شود، نه در راه خیر ملت. شخصیت‌ها و افرادِ دلسوز و علاقه‌مند این ملت‌ها، یا منزوی می‌شوند، یا به وسیله نظام و رژیم وابسته، نابود می‌گردند. منابع نفت، گاز و معادن زیرزمینی دیگرش اگر استخراج شود، به صلاح و خیر قدرتی که به آن وابسته است، مصرف می‌شود. دوستی، دشمنی و موضع‌گیری جهانی‌اش، به تبع میل و خواست قدرتی است که به آن وابسته است. مذهب، اخلاق، فرهنگ و آدابش، آن‌طوری است که آن قدرت خارجی می‌خواهد، انتخاب می‌کند و تشخیص می‌دهد. میل خودش و ایمان، اراده، خواست و نظر مردمش، مورد اعتنا قرار نمی‌گیرد. لذا، در یک نظام وابسته، مردم و مغزهای متفکر، هیچ‌کاره می‌شوند. اداره حقیقی کشور وابسته، نه به دست دولت خودش، بلکه در واقع به دست دولتی است که به آن وابسته شده است.

برای یک ملت، بدبختی‌ای از این بالاتر نیست. مادر همه آفت‌های ملی، وابستگی است. برادران و خواهران عزیز! کشور ایران، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، یک کشور وابسته بود. این وابستگی، بخصوص در پنجاه‌وچند سالی که نظام منحوس و فاسد پهلوی بر سر کار بود، به اوج خود رسیده بود... اولین کار این انقلاب بزرگ در داخل کشوری که سال‌های متمادی را با وابستگی گذرانیده، قطع پیوندهای وابستگی و دستیابی به استقلال برای ملت ایران بود.

امروز ملت ایران، در هیچ یک از شئون و مواضع داخلی، بین‌المللی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تبلیغی، میل، خواست و دخالت قدرت‌های بزرگ؛ بخصوص امریکا را رعایت نکرده است و نمی‌کند.<sup>۱</sup>

۱. ۱۴ خرداد ۱۳۷۴، بیانات در مراسم ششمین سالگرد رحلت امام خمینی.

این که نظام جمهوری اسلامی در دنیا معروف شده است که در مقابل خواست قدرت‌ها و بخصوص در مقابل اراده امریکا می‌ایستد و به اراده استکباری آن‌ها اعتنا نمی‌کند، به خاطر همین روحیه اصلی انقلاب بزرگ و عظیم ماست که از اساس بر ضد وابستگی و در راه استقلال این ملت بوده است. نظام جمهوری اسلامی بر این اساس به وجود آمد و امروز هم به فضل پروردگار، این گونه است.<sup>۱</sup>

انقلاب بزرگ ما، حوزه تأثیرش محدود به داخل ایران نمی‌شود. انقلاب اسلامی یک حوزه بزرگتر دارد و آن، حوزه بشریت و به طور ویژه، حوزه امت اسلامی و ملت‌های مسلمان است... وجهه جهانی و بین‌المللی انقلاب، عبارت از پیام معنویت در سطح جهان است. دنیا غرق در مادیت است. دست‌های سردمداران و شبکه‌های اختاپوسی مادی، از یکی دو قرن پیش، دنیا را به سوی مادی‌گری سوق داده و ملت‌ها را در منجلاب مادی‌گری غرق کرده است... برای بشر، معنویت یک غذا و تغذیه روحی است... پیام انقلاب اسلامی، پیام معنویت، توجه به معنویت، وارد کردن عنصر معنویت در زندگی انسان و توجه به اخلاق و خداست. هر جا که نام و پیام امام نفوذ کرد، معنویت را در آن‌جا به همراه برد. حتی اگر به جوامع مسیحی و غیر مسلمان که به انقلاب اسلامی روی خوشی نشان دادند، از آن درسی طلب کردند و بهره‌ای بردند نگاه کنید، معنویت را در آن‌جا مشاهده خواهید کرد. رد پای انقلاب بزرگ اسلامی ما معنویت است و این معنویت، اولین پیام این انقلاب و امام است...

پیام دیگر انقلاب، «عدالت» است. در دنیا هر جا که ندای عدالت‌خواهی بلند شده است، این انقلاب آن‌جا را با خود و از خود و متناسب با خود یافته است و با حق‌جویان و عدالت‌خواهان عالم، همراهی کرده است. بسیاری از

۱. ۱۴ خرداد ۱۳۷۴، بیانات در مراسم ششمین سالگرد رحلت امام خمینی.

عدالت خواهان، آزادی خواهان و مبارزان با ظلم و تبعیض در شرق و غرب و قاره‌های پنجگانه عالم، می‌گویند «ما از انقلاب شما این درس را آموختیم» و راست می‌گویند... پیام بزرگ انقلاب ما، احیای هویت اسلامی در ملت‌های مسلمان بود. امروز همه ملت‌های مسلمان، در هر جای دنیا - اعم از اروپا، آمریکا و آسیا - به مسلمانی خودشان افتخار می‌کنند.<sup>۱</sup>

### ۱ - ۳. استقلال در تصمیم‌گیری، حفظ تمامیت ارضی کشور

در دوره‌های قبل از جمهوری اسلامی، همیشه ایران تجزیه شد و همیشه از ایران کُندند. هیچ کدام از سلاطین پهلوی و قاجار، این افتخار را ندارند که بتوانند بگویند ما مرزهای ایران را حفظ کرده‌ایم. قاجارها که وضعشان معلوم است. پهلوی‌ها هم، شهرهای مرکزی ایران را سال‌ها زیر چکمه‌ی سربازان خارجی انداختند و زن و مرد و ناموس این کشور را به دست آن‌ها دادند. تنها جمهوری اسلامی بود که مردانه ایستاد و نگذاشت که متجاوزین یک قدم جلو بیایند. هشت سال جنگ مگر شوخی است؟! هشت سال جنگ و آن همه فداکاری! جوانان ما در مقابل اتحاد شرق و غرب و «ناتو» و همه و همه مقاومت و ایستادگی کردند و میهن را نجات دادند.<sup>۲</sup> فرق است بین آن کشوری که مسئولانش می‌خواهند امور جاری آن کشور را، «باری به هر جهت» اداره کنند، با کشوری که مسئولانش می‌خواهند یک تحول اساسی در کشور به وجود آورند و زندگی مردم را از وضع رقت‌باری که سلطه‌های استبدادی و پادشاهی در طول زمان، بخصوص سلاطین وابسته و فاسد پهلوی و اواخر قاجار، به وجود آورده بودند، نجات دهند. واقعاً آبروی ایران و ایرانی را در دنیا برده و همه چیز این کشور را دچار انحطاط کرده بودند. در چنین زمینه‌ای، مردانی

۱. ۱۴ خرداد ۱۳۷۴، بیانات در مراسم ششمین سالگرد رحلت امام خمینی.

۲. ۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۵، بیانات در دیدار مدیران و مسئولان مطبوعات کشور.

دامن همت به کمر زده‌اند و اداره‌ی امور کشور را برعهده گرفته‌اند و بارهای سنگین را بر دوش نهاده‌اند و می‌خواهند زندگی مردم را از آن وضعیت، به وضع یک کشور پیشرفته‌ی آبرومند برخوردار از عزت و کرامت در سطوح بین‌المللی، تبدیل کنند و این کشور و این ملت بزرگ را به آن جایگاهی که شایسته‌ی اوست، برسانند؛ چون شما، هم ایرانی و هم مسلمان هستید. هم مسلمان بودن به معنای وجود امتیازات بسیار برجسته‌ای است و هم ایرانی بودن حاکی از استعدادها و امکانات درخشانی است. آن چیزی که مقتضای مسلمان بودن و ایرانی بودن ماست، کجاست؟... نظامی اسلامی، به برکت انقلاب و به برکت دولت مردانِ خودم و زحمتکش، به سرعت به سمت جایگاه برجسته‌ای که متناسبِ شخصیت این ملت است، می‌رود.<sup>۱</sup>

## ۲ - ۳. ارتقای جایگاه ایران در جهان، صدور شعارهای انقلاب و الهام‌بخشی به حق‌طلبان عالم

واقعیتی که امروز در جامعه‌ی ما هست - خارج از تبلیغات و شعار و بزرگ‌نمایی‌های گوناگون - این است که ما یک کشوری هستیم که بر اثر تکیه‌ی بر باورهای خودمان و اظهار شجاعت در میدان - شجاعت نشان داده‌ایم؛ این‌ها را که دیگر نمی‌توان منکر شد - در دنیا یک ملت شاخص شده‌ایم؛ نمی‌گویم شاخص‌ترین، اما یک ملت شاخصیم. این ایرانی که امروز شما دارید می‌بینید، این ایرانِ دوره‌ی رژیم گذشته نیست؛ وقتی محاسبه می‌کنیم، در دنیا، در بین ملت‌ها و دولت‌ها، در محافل سیاسی دنیا، در تعاملات بین‌المللی و در موازنه‌ی بین قدرت‌های بزرگ دنیا، این ایران، این ملت و این مجموعه‌ی حکومت، یک مجموعه‌ی درخور احترام یا مجموعه‌ای که ناگزیر باید آن را جدی گرفت و آن را احترام کرد، تلقی می‌شود. امروز وضع کشور

۱. ۷ شهریور ۱۳۷۵، بیانات در دیدار کارمندان و کارکنان دولت.

ما این است.<sup>۱</sup>

این انقلاب در دنیای اسلام و دنیای عرب امیدها را زنده کرد. وقتی انقلاب ما پیروز شد، به‌طور کلی دنیای عرب و دنیای اسلام در یک حال رکود و سکوت و نومیدی به‌سرمی‌برد؛ صهیونیست‌ها کار خودشان را پیش برده و همه را ترسانده بودند و هیچ ملتی گمان نمی‌کرد در امیدی برایش باز باشد. ناگهان دروازه‌ی عظیم فرَج گشوده شد و ملت‌ها امید پیدا کردند. صهیونیست‌ها خیال

می‌کردند فلسطین را خورده‌اند و تمام شده است. شما ببینید امروز ملت فلسطین با همه‌ی وجود و با همه‌ی توان وسط میدان آمده است و باینکه فشار زیادی هم روی او وارد می‌کنند، بازایستاده است. این فقط شکست اسرائیل نیست؛ این شکست امریکاست؛ این شکست همه‌ی قدرت‌های صهیونیستی است که بر دنیا مسلطند. یک ملت بی‌سلاح محصور در اراضی فلسطین، همه‌ی این‌ها را عاجز و بیچاره کرده است.<sup>۲</sup>

امروز، وقتی حادثه‌ای در دنیا اتفاق می‌افتد - از قبیل حوادث منطقه‌ی خاورمیانه، لبنان و فلسطین - و ملت و شخصی مظلوم واقع می‌شود و ظلمی در یک جا اتفاق می‌افتد و از دهان کسی، حرف غلط و قلدرمآبانه‌ای خارج می‌شود، اگر بخواهیم اعتراض کنیم و موضع‌گیری نماییم و آن کار را لازم و تکلیف خود بدانیم، هیچ ملاحظه‌ی سیاسی و ترس از هیچ قدرتی، ما را از موضع‌گیری باز نمی‌دارد. بعضی از کشورهای دیگر تعجب می‌کنند که چطور ممکن است دولت و کشوری باشد که از قدرت‌های مسلط عالم ترسد و ملاحظه نکند؟ امروز، بحمدالله این نمونه در دنیا وجود دارد.<sup>۳</sup>

۱. ۲۳ خرداد ۱۳۸۵، بیانات در دیدار جمعی از کارگردانان سینما و تلویزیون.

۲. ۲۴ بهمن ۱۳۸۲، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه.

۳. ۲۸ مهر ۱۳۶۸، خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران.

اسلام بر تمام مکاید دشمنانش پیروز خواهد شد. اگر یک روز در سراسر جهان به ما و یا به دیگر انسان‌های معمولی می‌گفتند که در قلب اروپا کسانی به شوق اسلام‌خواهی تشکیل پیدا خواهند کرد، باورش مشکل بود. اگر می‌گفتند که امپراتوری بنا شده بر اساس مادی‌گری و ضدیت با خدا، متلاشی خواهد شد، باورش مشکل بود. اگر می‌گفتند در کشورهای ارتجاعی و علی‌الظاهر اسلامی و علی‌الباطن محکوم قدرت‌های وابسته‌ی به غرب و دستگاه‌های ضد اسلامی، حرکت‌های اسلامی متریقی به وجود خواهد آمد، باورش مشکل بود. اگر می‌گفتند در اقصی نقاط کشورهای اسلامی، مردم مسلمان با انگیزه‌های ایمانی خودشان حرکت و قیام و فداکاری خواهند کرد تا کلمه‌ی اسلام را بلند کنند، باورش مشکل بود؛ چون دستگاه حاکمیت استکبار جهانی و سلطه‌ی شیطانی، تمام ترتیبات را به گونه‌ای ردیف کرده بود که معنویت و دین - و بخصوص اسلام - به کلی از صحنه خارج بشود. اما معجزه‌ی الهی تحقق پیدا کرد، اسلام به صحنه آمد و مخالفان خود را از صحنه خارج کرد و کماکان خارج می‌کند.<sup>۱</sup>

ببینید امروز در اروپا و در قلب مدنیت و فرهنگ غربی که اسلام را خصم خود می‌داند و با اسلام مبارزه می‌کند، دعوت اسلامی چه شور و نشاطی به وجود آورده است. حقیقت همین است و آینده نیز محکوم همان حقیقتی می‌باشد که انبیای عظام خبر داده‌اند و اسلام به ما وعده داده است.<sup>۲</sup>

فقط این نیست که در کشورهای شمال آفریقا و منطقه‌ی غرب آسیا که امروز ما در آنجا قرار داریم، حرکات بیداری‌ای به وجود آمده باشد؛ این حرکت بیداری تا قلب اروپا خواهد رفت. آن روزی پیش خواهد آمد که همین

۱. ۱۲ بهمن ۱۳۶۸، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم و میهمانان خارجی مراسم دهه‌ی فجر انقلاب اسلامی.

۲. همان.



ملت‌های اروپایی علیه سیاستمداران و زمامداران و قدرتمندانی که آن‌ها را یکسره تسلیم سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی آمریکا و صهیونیسم کردند، قیام خواهند کرد. این بیداری، حتمی است. حرکت ملت ایران، امتداد و عمقش این‌هاست.<sup>۱</sup>

### ۳ - ۳. گسترش بر خورداری‌های عمومی و امکانات مادی

کسانی که ملت‌های دیگر را از نزدیک دیده‌اند، شهادت می‌دهند که ملت ایران نسبت به اسلام و عقاید و احکام اسلامی، یکی از مؤمن‌ترین ملت‌های مسلمان است. برای مردم روشن شد که در سایه‌ی اسلام می‌توانند زندگی آزاد و برخوردار از نعم معنوی و مادی داشته باشند. اسلام، ایمان و محبت مردم بود. مردم قیام کردند و این انقلاب عظیم انجام گرفت و به دست آن‌ها، حکومتی بر پایه‌ی اسلام به وجود آمد.<sup>۲</sup>

نظام اسلامی آمد و آن برنامه و نقشه‌ی غلطی را که در این مملکت بود که هیچ حقی برای روستا و روستانشین و شهرهای دوردست و طبقات محروم قائل نبودند تغییر داد و بیشترین اهتمام را روی این چیزها گذاشت. امروز بیشترین اهتمام دولت خدمتگزار ما برای نقاط محروم است. در طول دوران انقلاب، همیشه دولت‌ها این‌طور بودند؛ بیشترین اهتمام‌شان برای مردم محروم و نقاط محروم بود و کارهای فراوان و خدمات عظیمی هم انجام گرفته است. این‌ها به برکت همین عنصر عدالت اجتماعی در خط امام است.<sup>۳</sup>

اگر این کشور توانست در میدان‌های تحرک و پیشرفت مادی به موفقیت‌هایی دست پیدا کند؛ اگر توانست علم و فناوری و صنعت پیدا کند؛ اگر توانست

۱. ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۰، بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور.

۲. ۳ آبان ۱۳۶۸، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم.

۳. ۱۴ خرداد ۱۳۷۸، خطبه‌های نماز جمعه در دهمین سالگرد رحلت امام خمینی.

یک سیاست بین‌المللی و یک دیپلماسی قوی پیدا کند؛ اگر توانست اقتصاد جامعه را سر و سامان دهد؛ اگر توانست از منابع عظیم ثروت در زیر زمین و روی زمین، اعم از معدن و کشاورزی و امثال این‌ها استفاده کند؛ اگر توانست از سرزمین وسیع و متنوع ایران و موقعیت مهم سوق‌الجیشی آن استفاده کند؛ و خلاصه، اگر توانست با معیارهای پیشرفت جهانی و مدنی خودش را همراه کند، این اولین کشور و دولتی خواهد بود که توانسته است پیشرفت مادی را در زیر روشنی چراغ برافروخته‌ی فضیلت و معنویت به‌دست آورد؛ این می‌شود یک تمدن جدید؛ این در تاریخ کم‌سابقه است و در مقابل تمدن غربی یک پدیده‌ی به‌شدت هشداردهنده است.<sup>۱</sup>

### ۴ - ۳. پیشرفت در معنویات و امکان سیر تکاملی در فضای انقلاب

انقلاب اسلامی، انقلاب اسلام است، انقلاب قرآن است، برافراشتن پرچم اسلام است. انقلاب اسلامی افتخارش این است که ارزش‌های اسلامی را، توحید را، احکام الهی را و ارزش معنویت اسلام را، دارد به دنیا معرفی می‌کند و موفق شد. علی‌رغم همه‌ی دشمنی‌ها ما موفق شدیم. انقلاب اسلامی روح غرور اسلامی را، روح افتخار و تفاخر به اسلام را در مسلمان‌ها زنده کرد. آن‌ها با این دشمنند، با این مخالفند.<sup>۲</sup>

ما داریم با سرعت این عقب‌ماندگی‌ها و فاصله را طی می‌کنیم تا به جلو برسیم. این، مظهر کاملش در جنگ است؛ هم از جهت روحیات انسانی، و هم

۱. ۲۲ خرداد ۱۳۸۳، بیانات در دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی.

۲. ۲۵ دی ۱۳۸۵، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هم‌اندیشی علمای اهل تسنن و تشیع.

از جهت استعداد گرایش معنوی، صفا و معنویت و لطافت، که این همه جا بود. شما ببینید ارتش ایران را در چه شرایطی به وجود آوردند؛ چگونه تربیت کردند و با چه شرایطی این‌ها را رشد دادند. شرایط، کاملاً شرایط ضد مذهب بود. آن وقت همین ارتش، در نیروی هوایی‌اش، در نیروی زمینی‌اش، در نیروی دریایی‌اش، یک سال و نیم تا دو سال بعد از پیروزی انقلاب که جنگ شروع شد، کارهایی کرد و جلوه‌هایی نشان داد که حقیقتاً محیرالعقول است. جوان‌هایی که بمباران‌ها و حملات هوایی اول جنگ را با هواپیماهای خود به وجود آوردند، تربیت شده‌های ارتش سابق بودند؛ اما جوهر معنویت، خلوص و صفا در این‌ها بود. من در منطقه‌ی اهواز غالباً نیمه‌های شب می‌رفتم از منطقه بازدید می‌کردم. این منظره را خودم دیدم؛ پشت خاکریز و پای تانک، افسری ایستاده بود و داشت نماز شب می‌خواند.<sup>۱</sup>

### ۵ - ۳. گسترش عدالت اجتماعی

یکی از شاخص‌های مهم، عدالت است. ادعای بنده این است که ما در این زمینه پیشرفت کرده‌ایم؛ البته نه به قدری که می‌خواهیم. اگر خودمان را با وضع قبل از انقلاب مقایسه کنیم، پیشرفت کرده‌ایم؛ اگر خودمان را با بسیاری از کشورهای دیگر که با نظام‌های گوناگون زندگی می‌کنند، مقایسه کنیم، بله پیشرفت کرده‌ایم؛ اما اگر خودمان را مقایسه کنیم با آنچه که اسلام به ما گفته است و از ما خواسته است، نه، ما هنوز خیلی فاصله داریم و باید تلاش کنیم. این تلاش به عهده‌ی کیست؟ این تلاش به عهده‌ی مسئولان و مردم - با هم - است.

۱. ۳۱ شهریور ۱۳۸۴، بیانات در دیدار جمعی از پیشکسوتان جهاد و شهادت و خاطره‌گویان دفتر ادبیات و هنر مقاومت.

بله، ما از لحاظ توزیع منابع عمومی به همه‌ی مناطق کشور، پیشرفت کرده‌ایم. یک روزی بود که بیشترین منابع این کشور در مناطق مخصوصی که تعلق خاصی داشت به قدرتمندان آن روز و به دربار آن روز، صرف می‌شد؛ بسیاری از استان‌ها و شهرها هم از منابع عمومی کشور هیچ حظ و بهره‌ای نداشتند. ... امروز وقتی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم از لحاظ خدمات، از لحاظ جاده‌سازی، از لحاظ ساختن بزرگراه‌ها و آزادراه‌ها و جاده‌های راحت، سرتاسر کشور برخوردارند. از لحاظ گسترش تحصیل علم، در سرتاسر کشور این امتیاز و این امکان وجود دارد. همان طور که اشاره کردم، مناطق متعددی از کشور در آن

روز، حتی شهرها، از لحاظ دبیرستان در مضیقه بودند. بنده در استان سیستان و بلوچستان تبعید بودم؛ اوضاع را آنجا می‌دیدم. از لحاظ دبیرستان، بسیاری از شهرهای آن استان در مضیقه بودند. یک مرکز نیم‌بند ضعیف درجه‌ی سوم چهارم دانشگاهی در کل آن استان وجود داشت. امروز شما وقتی در آن استان و بقیه‌ی استان‌ها نگاه کنید، می‌بینید در همه‌ی شهرها دانشگاه وجود دارد؛ یعنی امکان تحصیل. خب، این عدالت است. این معنایش این است که امکان تحصیل علم توزیع شده است بین مناطق گوناگون کشور؛ امکانات مادی کشور، منابع مالی، علم توزیع شده است؛ این بسیار چیز خوبی است. در گذشته، نخبگان شهرهای دوردست و کسانی که دارای استعداد بودند، امکان بروز و ظهور نداشتند؛ امروز چرا، امکان بروز و ظهور دارند. در سفراین و هر نقطه‌ی دیگری، وقتی انسان بااستعدادی حضور داشته باشد و بتواند نخبگی خودش را نشان دهد، دستگاه‌های گوناگون کشور از او استقبال می‌کنند، او را گرامی می‌دارند و از امکان او استفاده می‌کنند. در گذشته این جور نبود. بنابراین نسبت به گذشته، مطمئناً این شاخص پیشرفت - که شاخص عدالت

است - برجسته است؛ اما نسبت به آنچه که ما از اسلام فهمیدیم و شناختیم، نه، ما هنوز عقیم؛ باید تلاش کنیم و کار کنیم.<sup>۱</sup>

### ۶ - ۳. اهتمام به مبارزه با فساد و برخورد با عوامل فساد

ما به فضل پروردگار در دستگاه‌های دولتی و حکومتی فساد لانه کرده نداریم. بین دستگاهی که ممکن است کسانی در اجزاء آن سوءاستفاده کنند و فساد باشند، و دستگاه‌هایی مثل رژیم طاغوت که بنیان آن بر فساد است، تفاوت است. در دستگاه طاغوت، فساد، سوءاستفاده، دنیاطلبی و حیف و میل اموال عمومی از ریشه و رأس یک سنت و رویه‌ی قطعی و عادت همیشگی بوده است.

در نظام جمهوری اسلامی تعالیم و روش اسلام و امام راحل، جامعه را از چنین چیزی باز داشته است. عناصری سوءاستفاده‌چی همیشه در گوشه و کنار وجود داشته‌اند. کسانی هم در بیرون از دستگاه‌های دولتی، از امکانات آن‌ها برای پُر کردن کیسه‌های خود سوءاستفاده می‌کنند. باید به‌طور جدی با آن‌ها مبارزه شود. البته مبارزه با آن‌ها کار دشواریست؛ چون پول دارند و به تبلیغات می‌پردازند و شایعه‌پراکنی می‌کنند. دشمنان داخل و خارج کشور هم سعی می‌کنند از حرکت‌های اصلاحی در کشور جلوگیری کنند. اراده و همت و عزم جازم مسئولان می‌تواند همه‌ی این موانع را از سر راه بردارد و *إن شاء الله* این‌طور خواهد شد.<sup>۲</sup>

در نظام جمهوری اسلامی... اگر یک وقت هم گزارشی از برخی بی‌عدالتی‌ها یا تعرض‌ها و تجاوزها می‌رسد، مطلقاً مربوط به کسانی که در رتبه‌های بالای

۱. ۲۲ مهر ۱۳۹۱، بیانات در اجتماع مردم اسفراین.

۲. ۱ فروردین ۱۳۸۲، بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی.

حکومت هستند، نیست. آن کسانی که در رأس قدرتند؛ آن کسانی که در رأس حکومتند، زندگی‌هایی مثل زندگی‌های مردم متوسطاً پایین‌تر از متوسط دارند، طمعی به مال مردم ندارند، طمعی به مال دنیا ندارند. خدا را شکر می‌کنیم که پروردگار عالم، این سنت و سیره‌ی سنجیده‌ی پسندیده را در جمهوری اسلامی قرار داد که کسی از مسئولان نخواهد به ثروت تفاخر کند.<sup>۱</sup>

### ۷ - ۳. توان ایستادگی در برابر زورگویان و سلطه‌طلبان جهانی

ما داعیه‌ی محو نظام سلطه را داریم... یعنی در مناسبات جهانی، رابطه، رابطه‌ی سلطه‌گر و سلطه‌پذیر نباشد. همچنین عدالت و استفاده‌ی از علم برای آسایش بشر نه برای تهدید بشر. بخصوص در طول این دوره‌های اخیر بعد از جنبش علمی دنیا - رنسانس - به این طرف و بخصوص در این یک قرن اخیر، بسیاری از آنچه در زمینه‌ی علم انجام گرفته، به جای اینکه برای آسایش بشر باشد در تهدید بشر بوده؛ یا تهدید جان، یا تهدید اخلاق، یا تهدید خانواده؛ و تشویق به مصرف‌گرایی و پر کردن جیب چپاولگران بین‌المللی و صاحبان و پدیدآورندگان تراست‌ها و کارتل‌ها. ما می‌گوییم علم، به جای این‌ها در خدمت انسان قرار بگیرد؛ در خدمت آسایش انسان، در خدمت آرامش انسان و در خدمت روح و روان انسان. این‌ها حرف‌هایی است که دنیا نمی‌تواند رد کند.<sup>۲</sup>

انقلاب اسلامی شما در مقابل این حرکتی که به حرکت طبیعی دنیای سیاست تبدیل شده بود، ایستاد. اینی که شما می‌بینید امروز در خیلی از کشورها صدای مرگ بر آمریکا بلند می‌شود، این چیز جدیدی است؛ این مخلوق حرکت ملت ایران است. چنین چیزی وجود نداشت. اینی که شما می‌بینید امروز در همه‌ی دنیا، چه در کشورهای اسلامی، چه حتی در کشورهای اروپایی، سیاست

۱. فروردین ۱۳۸۲، بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی.

۲. تیر ۱۳۸۹، بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیأت علمی دانشگاه‌ها.

آمریکایی منفورترین سیاست‌ها و سران کشور آمریکا منفورترین سیاستمداران دنیا هستند، این ناشی از این حرکت عظیم ملت ایران است.

اینجا بود که اول، شاخ ابرقدرتی ابرقدرت‌ها را شکست، نظام سلطه را به چالش طلبید. چرا؟ چرا قدرت‌های بزرگ مثل آمریکا و دیگران با کشورهایایی که همیشه سلطه‌پذیر بودند، باید از موضع قدرت حرف بزنند؟ توی ایران خود ما سران ذلیل روسیاه رژیم طاغوت، برای تصمیم‌گیری‌های مهم‌شان اقدام نمی‌کردند، مگر اینکه قبلاً با سفیر آمریکا و سفیر انگلیس در ایران مشورت کنند. چرا؟ چرا یک ملت با توانایی‌های خود، با ذخائر فرهنگی و مادی و معنوی خود، بایستی تابع و تسلیم یک قدرت بیگانه شود؟ چرا؟ این «چرا» را اول، انقلاب اسلامی گفت.<sup>۱</sup>

در این منطقه‌ی بسیار حساس، یک قدرتی دارد قد می‌کشد و روز به روز خودش را بیشتر نشان می‌دهد. این قدرت با همه‌ی خواسته‌های استکباری و دستگاه‌های کمپانی‌ها و شبکه‌های عظیم اقتصادی مفسد فی الارض مخالف است؛ با نظام سلطه مخالف است، با سلطه‌گری مخالف است، با ظلم مخالف است؛ خوب، این خیلی برای دستگاه استکبار مهم است... با یک چنین قدرتی رو به رشد رو به اعتلای در حال قدکشی به شدت مخالفند؛ بنابراین هرچه بتوانند، در مقابله‌ی او کار می‌کنند. توی این [چندین] سال هم بیکار نماندند، هرچه بگذرد هم باز بیکار نمی‌مانند؛ مگر آن وقتی که شماها همت کنید؛ شما جوان‌ها کشور را از لحاظ علمی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ امنیتی به نقطه‌ای برسانید که امکان آسیب‌پذیری‌اش نزدیک به صفر باشد؛ آن وقت کنار می‌کشند و توطئه‌ها تمام خواهد شد. اینی که من توی این چند سال به دانشگاه‌ها مرتب راجع به مسائل علم و تحقیق و پژوهش و نوآوری و جنبش

۱. ۴ تیر ۱۳۸۷، بیانات در دیدار مداحان اهل بیت ۷.

نرم‌افزاری و ارتباط صنعت و دانشگاه و این‌ها این همه تأکید کردم، برای خاطر این است که یک رکن امنیت بلندمدت کشور و ملت‌تان علم است.<sup>۱</sup>

### ۸ - ۳. رشد علمی و صنعتی

انقلاب و نظام اسلامی، کشوری را که حدود هفتاد و چند درصد بی‌سواد داشته، تحویل گرفته؛ اما امروز ما به کشوری با درصد بسیار بالای سواد تبدیل شده‌ایم که من درصد آن را تعیین نمی‌کنم، چون نمی‌خواهم یکی دو درصد بالا و پایین گفته شود؛ اما درصدش مشخص است. در توسعه‌ی دانشگاه

و دانشجو، کشور ما یک کار معجزه‌آسا انجام داده است. بیش از ده برابرِ هنگامی که نظام اسلامی تشکیل شد، ما امروز دانشجو داریم. ما در همه‌ی اقطار کشور دانشگاه داریم. کدام شهر کوچک و بزرگ در اطراف این کشور هست که یکی دو تا یا بیشتر دانشگاه در آن نباشد؟ در عرصه‌ی فناوری - پتروشیمی، نفت، فولاد، تولیدات و صنایع دفاعی - پیشرفت‌ها حیرت‌آور است. سامانه‌های دفاعی‌ای که امروز در کشور تولید می‌شود، یک روز به رؤیا و خواب هم نمی‌آمد که کشور ما بتواند حتی محصولاتش را داشته باشد؛ اما امروز این‌ها را تولید می‌کنند. در فناوری برتر که در دنیا با افتخار از آن یاد می‌شود، مجبور شدند علی‌رغم همه‌ی دشمنی‌ها بگویند ایران جزو ده کشوری است که توانسته چرخه‌ی سوخت هسته‌ای تولید کند. این چیز کمی نیست... این پیشرفت‌های مهم به برکت نظام اسلامی به وجود آمده است. آن روز در جمعیت سی و پنج میلیونی و چهل میلیونی کشور تعداد بسیار کمی دانشجو بود. امروز جمعیت ما تقریباً دو برابر شده است؛ اما تعداد دانشجویان ما

۱. ۴ شهریور ۱۳۸۸، بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی.



حدود پانزده برابر شده! شمار استادان و تعداد دانشگاه‌ها به مراتب از این بیشتر است. صناعی که ملت ایران به دست خودشان ایجاد کرده‌اند، یک ماجرای شگفت‌انگیز است. آن روز ساده‌ترین چیزها را هم باید دیگران می‌آوردند و می‌ساختند. پول ما را می‌گرفتند، ما را تحقیر می‌کردند، اما برای ما نوع نازلش را تهیه می‌کردند! امروز جوان‌های ما پیچیده‌ترین و برجسته‌ترین فناوری‌ها را آورده‌اند در میدان دید عمومی قرار داده‌اند، که نمونه‌هایش را شنیده‌اید و می‌دانید. آنچه در معرض افکار عمومی و دید عمومی است، به مراتب کمتر از واقعیت است. آن روز اگر می‌خواستند روی یک رودخانه سدی ببندند، باید می‌رفتند از چهار تا کشور التماس می‌کردند و پول‌های کلان به این‌ها می‌دادند تا بیایند سدی درست کنند؛ آن هم در مواردی نامطمئن! امروز جوان‌های خود ما لااقل ده‌ها برابر آن روز - و یقیناً بیشتر - به دست خودشان این چیزها را می‌سازند. کشور رشد کرده؛ علم کشور رشد کرده؛ رشد اقتصادی کشور به مراتب از آن روز بهتر است؛ توسعه‌یافتگی کشور از آن روز بیشتر است؛ معنویت و اخلاق کشور قابل مقایسه‌ی با آن روز نیست؛ اعتماد به نفس ملی، امروز صد برابر آن روز است؛ و بالاتر از همه اینکه امروز کشور مستقل است. همه‌ی این جنجال‌ها و بد اخلاقی‌های جهانی هم که می‌بینید، به خاطر این استقلال است.<sup>۱</sup>

ما از لحاظ روند رشد علمی و فناوری در کشور، جزو شتابنده‌ترین‌ها در سطح دنیا هستیم. متتها چون فاصله خیلی زیاد بوده، این شتاب، الان نتایجش را به روشنی نشان نمی‌دهد. چنانچه همین شتاب و آهنگ حرکت را بتوانیم به توفیق الهی ده، پانزده سال حفظ کنیم و پیش برویم، آن وقت کاملاً خودش را نشان خواهد داد. من البته مثال‌های زیادی برای این دارم. بعضی از مثال‌ها ممکن است برای شما محسوس نباشد؛ چون آنچه را که ممکن است من به

۱. ۱۹ دی ۱۳۸۳، بیانات در دیدار مردم قم.

عنوان آمار ذکر کنم، شما از آن اطلاعی ندارید، لذا محسوس نیست. اما حالا همین چیزهایی که محسوس است و مشاهده می‌شود، مثل همین تحقیقات مربوط به انرژی هسته‌ای؛ این، به دست آمده از آن نقطه‌ای است که ما حرکتمان را از آن نقطه شروع کردیم. فاصله‌اش، یک فاصله‌ی دهشت‌آور است؛ ولی این کار انجام گرفت... این فاصله‌ها، فاصله‌های دهشت‌آور است؛ یعنی فاصله‌ها بسیار فاصله‌های عمیقی است که در این مدت به برکت پیگیری و کوشش، طی شده است. بنابراین شتاب خوب است؛ منتها این شتاب بایستی حفظ شود. این چیزی که شما جوان‌های آگاه و هوشمند و مستعد باید بدانید، این است که این شتاب را بایستی همچنان حفظ کرد.<sup>۱</sup>

پیشرفت در شرایط تحریم، یکی از نقاط مهم قوت کشور است. در سخت‌ترین شرایط تحریم، کشور پیشرفت کرده. در چه چیزی پیشرفت کرده؟ یکی در مقوله‌ی علم و فناوری... ما در زمینه‌ی هسته‌ای پیشرفت کردیم، در زمینه‌ی فناوری زیستی پیشرفت کردیم، در فناوری نانو پیشرفت کردیم، در فناوری انرژی‌های نو پیشرفت کردیم، در صنایع هوافضا پیشرفت کردیم، در ساخت ابررایانه‌ها پیشرفت کردیم، در مسئله‌ی بسیار مهم سلول‌های بنیادی پیشرفت کردیم، مسئله‌ی شبیه‌سازی همین جور، در رادیوداروها همین جور، در نانوداروهای ضد سرطان همین جور؛ این‌ها همه جزو دانش‌های سطح بالای دنیاست... ما در این‌ها پیشرفت کردیم؛ این در حالی بود که درهای انتقال دانش از همه سوی دنیا روی ما بسته است.<sup>۲</sup>

۱. ۲۵ شهریور ۱۳۸۵، بیانات در دیدار نخبگان جوان.

۲. ۱۵ مرداد ۱۳۹۰، بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران.

### ۱- ۸- ۳. حرکت در مرزهای علوم

امروز سرعت پیشرفت علمی ملت ایران، یازده برابر متوسط دنیاست؛ این طبق آمارهایی است که مراکز علمی بین‌المللی دارند اعلام می‌کنند و اطلاع می‌دهند. امروز در ابعاد مختلف و در زمینه‌های گوناگون - در زمینه‌های سیاسی، در زمینه‌های علمی، در زمینه‌ی بناء و پیشرفت سازندگی - کشور ما به سرعت در حال پیشرفت است.<sup>۱</sup>

علم و فناوری یکی از پایه‌های اقتدار اقتصادی یک ملت است. یک ملت با داشتن دانش پیشرفته، فناوری پیشرفته، هم به ثروت می‌رسد، هم به استغنائی سیاسی می‌رسد، هم آبرومند می‌شود، هم دستش قوی می‌شود. به خاطر کلیدی بودن مسئله‌ی پیشرفت علم و فناوری، من نسبت به این مسئله حساسم. از راه‌های مختلف، کانال‌های مختلف، گزارش‌های متفاوتی را تقریباً به طور مستمر دریافت می‌کنم و می‌توانم به شما قاطعانه عرض کنم که سطح پیشرفت‌های کشور بسیار بیشتر از آن چیزی است که تاکنون به اطلاع مردم رسیده است. بر اساس گزارش مراکز علمی معتبر دنیا - این گزارش مربوط به مراکز علمی خود ما نیست - سریع‌ترین رشد علمی جهان، امروز در ایران دارد انجام می‌گیرد.

معنای این‌ها چیست؟ در شرایطی که دشمنان ملت ایران بر روی سقوط ملت ایران شرط‌بندی می‌کردند و می‌گفتند ما تحریم‌های فلج‌کننده را برای ملت ایران در نظر گرفتیم، ملت ایران این جور عمل کرده است. گزارش می‌دهند - این هم باز گزارش مراکز علمی معتبر دنیاست - که در منطقه، ایران در رتبه‌ی اول سطح علمی، و در کل جهان در رتبه‌ی هفدهم است. این گزارش

۱. ۴ تیر ۱۳۹۱، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم.

کسانی است که اگر بتوانند گزارش خلاف علیه ما بدهند، امتناع نمی‌کنند؛ این را این‌جور اعتراف می‌کنند. سال ۹۰ ما در زیست‌فناوری پیشرفت کردیم، در نانو فناوری پیشرفت کردیم، در هوا فضا پیشرفت کردیم؛ که ماهواره‌ی نوید پرتاب شد و... افزایش شش برابری داروهای نوترکیب، افزایش صادرات کالا و خدمات دانش‌بنیان؛ این‌ها همه مربوط به سال ۹۰ است. این‌ها بخشی از دستاوردهای «سال جهاد اقتصادی» است. این‌ها پیشرفت علمی است، پیشرفت فناوری است، نشان دهنده‌ی اقتدار علمی کشور است، اما دارای تأثیر مستقیم اقتصادی برای کشور است. جهاد اقتصادی یعنی این.<sup>۱</sup>

امروز جوانان دانشمند شما در بیش از ده رشته‌ی مهم درجه‌ی اول علمی و فناوری کشور آن‌چنان پیشرفتی کرده‌اند که در ردیف‌های اول دنیا - یعنی در ردیف‌های کمتر از دهم دنیا - قرار گرفته‌اند؛ اینها به برکت حضور مردم است. این حضور، این اعتماد متقابل، این احساس مسئولیت عمومی هرچه ادامه پیدا کند، کشور پیشرفت بیشتری پیدا خواهد کرد. خط امام، این است.<sup>۲</sup>

## ۲ - ۸ - ۳. پیشرفت فوق‌العاده در علم پزشکی و داروسازی

من یک وقتی این روایت را که از معصوم ۷ است، عرض کردم، که فرمود: «العلم سلطان»؛ یعنی علم و دانش برای یک ملت و برای یک فرد مایه‌ی اقتدار است. «من وجده صال و من لم یجدہ صیل علیہ»؛ کسی که این قدرت را پیدا کند، دست برتر را دارد و آن کسی که نتواند قدرت علمی را به دست

۱. ۱ فروردین ۱۳۹۱، بیانات در حرم رضوی در آغاز سال.  
 ۲. ۱۴ خرداد ۱۳۹۰، بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی.

بیاورد، زیردست باقی می‌ماند و دیگران بر او دست برتر را خواهند داشت. علم و فناوری یک چنین خصوصیتی دارد. امروز حرکت کشور در جهت به دست آوردن دانش و فناوری در بسیاری از رشته‌ها، بخصوص در رشته‌های بسیار نو و برتر کشور مشهود است. در بخش‌های گوناگون؛ در بخش زیست‌فناوری، در بخش هوافضا، در بخش نانو فناوری، در بخش سلول‌های بنیادی، در تولید رادیوداروهای بسیار مهم، در تولید داروهای ضد سرطان، در تولید موتور توربین‌های بادی که وابستگی انرژی کشور را از نفت تا حدود زیادی از بین می‌برد، در تولید ابررایانه‌ها که برای کشور بسیار مهم است، در فناوری انرژی‌های نو - که همه‌ی این‌ها از دانش‌های سطح بالای دنیا هستند - خوشبختانه انسان مشاهده می‌کند که دانشمندان ما و جوانان ما به نحو فزاینده و شتابنده مشغول پیشروی هستند ... آدرس‌ها و گزارش‌های مراکز معتبر بین‌المللی نشان می‌دهد که در این قسمت، کشور شما از بسیاری از کشورهای عالم پیشتر دارد حرکت می‌کند و شتاب کشور چندین برابر متوسط شتاب جهانی است.<sup>۱</sup>

خوب است شما بدانید که در بعضی از بخش‌های بسیار حساس علمی کشور ما کارهایی شده که هنوز در دنیا صورت نگرفته است. در فناوری تولید سلول‌های بنیادی که بنده چند وقت پیش، از آن یاد کردم، یک مشت جوان مثل شماها که در تهران هستند، فعالیت می‌کنند. این‌ها همت کردند و رفتند از دیگران یاد گرفتند؛ خودشان هم فکر کردند، سرمایه‌گذاری فکری کردند و توانستند کلید تولید و انجماد و حفظ و کاشت سلول‌های بنیادی را به دست بیاورند. امروز این‌ها برای اولین بار در ایران سلول‌های بنیادی انسولین‌ساز را تولید کرده‌اند که در دنیا هنوز تولید نشده است.<sup>۲</sup>

۱. ۱ فروردین ۱۳۹۰، بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال.

۲. ۱۷ تیر ۱۳۸۳، بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان.

### ۳ - ۸ - ۳. فناوری هسته‌ای

ما در صنعت هسته‌ای پیشرفت کردیم. که غنی‌سازی بیست درصد محصول سال ۹۰ است. این غنی‌سازی بیست درصد، همان چیزی است که در سال ۸۹ آمریکایی‌ها و دیگران برای تولید آن شرط گذاشتند. ما می‌باید برای مرکز اتمی آزمایشگاهی تهران که مال رادیوداروهاست، اورانیوم غنی‌شده‌ی بیست درصد تهیه می‌کردیم؛ چون سوخت بیست درصدمان تمام شده بود... با وجود این همه مشکلات، این همه مانع‌تراشی‌ها، جوانان ما گفتند خودمان درست می‌کنیم. در سال ۹۰ اورانیوم غنی‌شده‌ی بیست درصد را این‌ها برای سایت هسته‌ای تهران تولید کردند و آن را به دنیا اعلام کردند؛ دشمنان ما ماندند متحیر! با اینکه می‌دانند مرکز هسته‌ای تهران مخصوص رادیوداروهاست - یعنی برای نیاز بیمارستان‌ها و آزمایشگاه‌های ما در سرتاسر کشور است و هزاران بیمار به این رادیوداروها احتیاج دارند - درعین حال نمی‌دادند، نمی‌فروختند، شرط می‌گذاشتند، باج‌گیری می‌کردند. جوانان ما خودشان آن را تهیه کردند. کار پیچیده‌ای هم بود، کار سختی هم بود، اما از عهده برآمدند و انواع و اقسام رادیوداروها الان در همین مرکز تهران با سوخت داخلی تولید می‌شود. این مال سال ۹۰ است. در سال ۹۰، در همین صنعت هسته‌ای، تولید صفحه‌ی سوخت را در کشور انجام دادند.<sup>۱</sup>

من مقاله‌ای را می‌خواندم که از یک روزنامه‌ی آمریکایی نقل کردند که همین دو سه روزه منتشر شده. می‌گوید ایران در مسئله‌ی هسته‌ای یک استثنا است. چین به مسئله‌ی هسته‌ای رسید، از کی گرفت؛ پاکستان رسید، از کی گرفت؛ هند رسید، از کی گرفت؛ ایران از کی گرفت؟ آن مقاله می‌نویسد: از هیچ

۱. افروردین ۱۳۹۱، بیانات در حرم رضوی در آغاز سال.

کس. این در شرایطی بود که هم تحریم بود و امکانات پیشرفت هسته‌ای به او نمی‌دادند، و هم با او مبارزه می‌کردند؛ مثل همین ویروس رایانه‌ای که داخل تشکیلات ما فرستادند. دانشمندان ما، جوان‌های ما در مقابل این‌ها ایستادند، پیش رفتند و نقشه‌ی دشمن را خنثی کردند. او حتی به ترور دانشمندان هسته‌ای ما اشاره می‌کند. این‌ها چیزهایی است که دشمنان ما دارند می‌گویند. این مقاله در روزنامه‌ی واشنگتن پست درج شده است.<sup>۱</sup>

نظام اسلامی استحکام پیدا کرد، ریشه دوانید، حرف خودش را به دنیا منتقل کرد، ملت‌ها را در مقابل عظمت خود وادار به اذعان و اعتراف کرد، خود را در چشم ملت‌های مسلمان و غیر مسلمان بزرگ کرد. امام بزرگوار ما حتی در چشم دشمنان خود، یک شخصیت عظیم و عالی رتبه است. ملت ایران به عنوان یک ملت پولادین، یک ملت مقاوم، یک ملت مؤمن، یک ملت با بصیرت، در دنیا معرفی شده است و در کشور، نظام اسلامی توانسته کشور را متحول کند. ایرانی که امروز شما می‌بینید، ایرانِ دوران قبل از انقلاب نیست. ایرانِ دوران قبل از انقلاب، یک کشور عقب‌مانده بود؛ یک کشور فراموش شده بود؛ یک ملت بی‌ابتکار بود. با این همه استعداد، با این همه موارث تاریخی، با این فرهنگ غنی، این ملت هیچ بروز و ظهوری نه در صحنه‌ی علم دنیا داشت، نه در صحنه‌ی سیاست دنیا داشت، نه در صحنه‌ی فناوری دنیا داشت، نه حرف نویی برای دنیا داشت، نه ابتکاری در زمینه‌ی مسائل منطقه و مسائل دنیا داشت؛ تابع محض بود. در داخل کشور، بجز یک مناطق معدودی که مورد توجه مسئولان و سردمداران رژیم بود، بقیه‌ی مناطق کشور دچار ویرانی و دچار ناآبادانی بود... ایرانِ امروز این پیشرفت‌ها را دارد؛ این کارها، این ابتکارات، این بروز جوان‌ها در میدان علم و سازندگی و حضور قوی در همه‌ی بخش‌ها. این حرف‌ها آن زمان وجود نداشت. کشور پیشرفته؛ این پیروزی است. انقلاب

۱. ۱۶ مرداد ۱۳۹۰، بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران.

زنده ماند، نظام روزبه‌روز بارورتر و ریشه‌دارتر شد، ملت روزبه‌روز آگاهی‌اش بیشتر شد.<sup>۱</sup>

### مقایسه پیشرفت انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب‌های دنیا

شما بیست سال بعد از «انقلاب کبیر فرانسه» را، بیست سال بعد از انقلاب اکتبر، یا بیست سال بعد از انقلاب الجزائر را در نظر بگیرید. شما بیست سال بعد از انقلاب کبیر فرانسه حدود سال ۱۸۰۹ را نگاه کنید، چیزی که از فرانسه‌ی دوران لوئی شانزدهم تغییر پیدا کرده، شخص پادشاه است! در سال ۱۸۰۹، پادشاهی به نام ناپلئون بناپارت بر سر کار است؛ یک امپراطور، تاجگذاری کرده و به معنای واقعی کلمه، پادشاهی می‌کند! آرای مردم و آزادی به آن معنایی که انقلاب کبیر فرانسه برایش تلاش کرد در زندگی و در حکومت مطلقه‌ی ناپلئون، یک ذره وجود ندارد! بله، تفاوت دیگرش آن است که لوئی شانزدهم، پادشاه کم‌عرضه‌ی بود، در حالی که بناپارت، پادشاهی با عرضه و قوی بود.

آن چیزی که امروز فرانسه می‌تواند به‌عنوان افتخار بناپارت یاد کند، این است که او ایتالیا و اتریش و بلژیک را فتح کرد کارهای او این است دیگر و الاً بیست سال بعد از انقلاب برای بناپارت، هیچ افتخار دیگری از لحاظ آرمان‌های انقلاب آن حرف‌هایی که «ژان ژاپلوسه» و «ولتر» و دیگران می‌گفتند در حکومت فرانسه، مطلقاً وجود ندارد! البته اگر شما در این بیست سال نگاه کنید و ببینید در فرانسه چه گذشته است، حقیقتاً خواهید دید که انقلاب عظیم و شکوهمند ما، اصلاً برترین پدیده‌ای است که می‌تواند در این نمونه‌ها مورد نظر قرار بگیرد.

۱. ۱۰ آبان ۱۳۹۱، دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان.



در طول این بیست سال در فرانسه تا قبل از این که ناپلئون روی کار بیاید سه گروه، هر سه به‌عنوان انقلاب، سرکار آمدند. گروه اول، گروه انقلابیونی بودند که شاید ماجراهايش را شنیده، یا خوانده‌اید آن برخوردهای خشن، کور و فراموش‌نشده‌ی و آن ویرانی‌ها را در تاریخ فرانسه کردند! به هر حال، یک انقلاب کردند؛ تا حدودی قابل تحمل بود.

بعد از حدود پنج سال، گروه دوم سرکار آمدند و گروه اول را قلع و قمع کردند! شخصیت‌های برجسته‌ی انقلابی تقریباً بدون استثنا اعدام شدند! این گروه دوم، گروه افراطیون بودند؛ کسانی بودند که انقلابیون اولیه را متهم به سازش‌کاری کرده و آن‌ها را اعدام کردند. گروه سوم آمدند و گروه دوم را متهم به تندروی کردند؛ بعضی از آن‌ها را اعدام و خیلی را تبعید کردند و این تبعید، تا سال‌ها ادامه داشت! ... بعد، گروه سوم که کار خودشان را انجام دادند البته با ضعف تمام زمینه را برای روی کار آوردن ناپلئون فراهم کردند و ناپلئون با استفاده از زرنگی‌ها و نبوغ خودش و اوضاع نابسامان فرانسه، در رأس قدرت آمد و پادشاهی را برگرداند... من افسوس می‌خورم که چرا بعضی از جوان‌های ما با این ماجراها آشنا نیستند! ... خلاصه، صد سال بعد از انقلاب، فرانسه مثل یک کشتی در حال تلاطم بوده است؛ پادشاهان متعدد سرکار آمدند و رفتند! بعد از ناپلئون، باز بوربن‌ها آمدند و رفتند؛ تا بالاخره کمونیست‌ها سرکار آمدند و باز رفتند؛ تا بالاخره بعد از یکصد و خرده‌ای سال، جمهوری فرانسه سروسامانی به خودش گرفت! حالا شما آن را با بعد از انقلاب ما مقایسه کنید... ببینید آنجا چه خبر بوده و اینجا چه خبر است!

شما بیست سال بعد از «انقلاب اکتبر ۱۹۳۷ شوروی» را نگاه کنید؛ این‌ها را من و امثال من یادمان است؛ دیکتاتوری سیاه استالین بر شوروی در آن بیست سال حاکم بود، که صدها هزار آدم به جرم مخالفت با حکومت استالین یا توهم مخالفت اعدام و نابود شدند! و چند برابر آن در سبیری، تبعید شدند و

چه شدند! تمام رؤسای سطح اول انقلاب، یکسره به وسیله‌ی کسانی که بعداً وارث آن‌ها بودند، اعدام، یا فراری شدند و عده‌ایی در تبعید کشته شدند! شما خود شوروی را هم که در ۱۹۳۷ نگاه کنید، می‌بینید که آن اوج دیکتاتوری سیاه استالین است. این دیکتاتوری، با حفظ مبانی انقلاب نبوده؛ یعنی استالین، یک تزار واقعی بود. فقط از خانواده‌ی رُمانف نبود، فرد دیگری بود؛ اما یک تزار و یک پادشاه مطلق بود! من گمان نمی‌کنم هیچ پادشاهی که در قصر «کرمین» حکومت کرده بود، به قدر استالین پادشاهی کرده باشد! چون او هم در همان قصر و با همان تشریفات و همان امکانات و همان زندگی و این‌ها بود. استالین، تنها چیزی که از انقلاب حفظ کرد، آن نیم‌تنه‌ای بود که تا آخر عمرش به شکل یک فرم می‌پوشیدند که تا بالا دکمه می‌خورد! آن را هم به مُجردی که مرد، اعقابش همان چند نفری که بودند کنار گذاشتند و هیچ چیز دیگر نماند؛ تمام شد! از انقلاب، فقط اسمش ماند؛ اگرچه از اول هم که انقلاب شد و سرکار آمده بودند، حکومت کارگری، فقط اسم بود! این هم انقلاب شوروی، بعد از بیست سال!

«انقلاب الجزائر» را بعد از بیست سال، خود من دیدم؛ سالی که من به الجزائر رفتم، حدود نوزده سال از انقلاب گذشته بود. وضع آن‌ها واقعاً عبرت‌انگیز است. انقلاب الجزائر، انقلاب اسلامی، انقلاب مساجد و انقلاب علمای دین بود؛ انقلاب، از مساجد، از مدارس دینی و از حوزه‌های علمیه شروع شد مثل انقلاب خود ما لیکن حتی یک روز، حکومت دینی در الجزائر به وجود نیامد! از همان اول، فرانسوی‌ها توانستند هم فرهنگ و آداب خودشان، هم بی‌اعتقادی به دین را در الجزائر که تحت نفوذشان بود و داشت از استعمارشان خلاص می‌شد نفوذ بدهند!

در زمان ریاست جمهوری من، یکی از بزرگان الجزائر به دیدن من آمد؛ با من

که صحبت می‌کرد، به زبان عربی حرف می‌زد. بعد می‌خواست جمله‌ای را بگوید، لغت عربی به یادش نیامد؛ با این که زبان خودش و سخنگوی دولت بود! یک خُرده فکر کرد، یادش نیامد؛ برگشت و به زبان فرانسه، از همراهش پرسید که این لغت، چه می‌شود؟ او لغت عربی را به وی گفت؛ بعد او حرفش را با بنده ادامه داد! یعنی آن‌ها حتی زبان عربی را نه دین را، بلکه زبان عربی و عربیت را که ظاهراً خیلی برایش اهمیت قائل بودند، نتوانستند در الجزائر حفظ کنند و نگه‌دارند و زنده کنند! در آنجا از اسلام، مطلقاً خبری نبود؛ از لحاظ وضع زندگی و مادی و اقتصادی هم زیر بد! وضع آن‌ها از لحاظ کشاورزی، از لحاظ اقتصادی همه‌چیزشان واقعاً زیر بد بود! البته یک ظاهر حکومت انقلابی داشتند و مواضع سیاسی خوبی در دنیا می‌گرفتند. الجزایری‌ها فقط در زمان «بومدین» که رئیس‌جمهوری بود وقتی انقلاب پیروز شد، بر سر کار آمد مواضع انقلابی، به معنای موضع مستقلی در مقابل امریکا و استکبار می‌گرفتند و از مسئله‌ی فلسطین دفاع می‌کردند! بعد از گذشت چند سال، همین هم عوض شد!

... بیست سال بعد از انقلاب الجزائر، دیگر انقلابی، اسلامی و دینی نبود! ارزش‌های اخلاقی و معنوی، مطلقاً وجود نداشت؛ پیشرفت مادی هم نبود! شوروی‌ها اگر نتوانستند زندگی مردم را درست کنند، لااقل توانستند در مسابقه‌ی فضایی، کار برجسته‌ای نشان بدهند. فرانسوی‌ها اگر نتوانستند آزادی و استقلال و اصول انقلاب‌شان را تحقق ببخشند، لااقل توانستند فتوحات جهانی بکنند؛ اگرچه آن، مثبت نیست، اما از لحاظ مثلاً عنوان تاریخی می‌گفتند که ناپلئون از لحاظ فتوحات نظامی، شخص برجسته‌ای بود. که او هم آخر کار، نابود شد؛ یعنی در جنگ با روسیه، به خاکستر نشست و به کلی از بین رفت.

بنابراین وقتی که ما مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم انقلاب ما بعد از این سال‌ها، آسیب‌های گوناگون یک انقلاب بزرگ مثل انقلاب فرانسه، یک انقلاب

پرسروصدا مثل انقلاب شوروی و یک انقلاب به اصطلاح اسلامی مثل انقلاب الجزائر را مطلقاً نداشته است؛ و این نشان‌دهنده‌ی بنیه‌ی این انقلاب است.<sup>۱</sup>

---

۱. ۱۵ اسفند ۱۳۷۷، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب.